



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس پنجشنبه ۵ آبان ۱۳۰۵ مطابق ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۴۵

### جلسه ۲۳

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل و صورت مجلس یوم سه شنبه سوم آبان قرائت و تصویب شد.  
غائبین با اجازه - آقایان: سیرزا حسن خان دادگر - حاج آقا  
ضا رفیع - دشتی - علی خان اعظمی .  
غائبین بدون اجازه - آقایان: محمد ولی خان اسدی -  
سیرزا ابراهیم خان قوام - محمد هاشم سیرزا افسر - سیرزا حسن آقا

آقای زاده سبزواری - غلامحسین میرزاسعود - دکتر رفیع خان - والی زاده جوانشیر - آقا شیخ محمدعلی ثابت.

دیرآمده با اجازه - آقای: میرزا محمدتقی بهار.

دیرآمدگان بدون اجازه - آقایان: فیروز میرزا فیروز - مرتضی قلی خان بیات - امام جمعه شیراز - میرزا حسین خان پیرنیا - میرزا ابراهیم آشتیانی - میرزا ابراهیم ملک آرائی.

آقای حائری زاده راجع بلزوم الغاء مالیاتهای صنفی و معافیت مالیاتهای ارضی در مدت ده سال و برقراری مالیات سهل و ساده بجای آنها و آقای فومنی راجع به جلوگیری مأمورین مالیه از مالکین جنگلها در قطع اشجار سلکی خود به استناد تصویب نامه دولت هر یک شرحی تقریر و تقاضا نمودند بدولت تذکر داده شود در این موضوعات اقدامات مقتضیه به عمل آورند.

دو فقره پیشنهاد به اسضاء جمعی از آقایان نمایندگان اول راجع به ارجاع راپورت کمیسیون فوائد عامه دوره پنجم تقنینیه در خصوص الغاء فرامین بلامدت به کمیسیون فوائد عامه فعلی و دوم راجع به ارجاع راپورت کمیسیون داخله دوره چهارم و پنجم تقنینیه در خصوص تجدیدنظر در قانون بلدی به کمیسیون داخله قرائت و نسبت به هر یک جداگانه رأی گرفته تصویب شد.

راپورت اخیر کمیسیون بودجه راجع به سواد قانون مؤسسه رهنی مطرح و در ماده پنجم چون مخالفی نبود اخذ رأی شده تصویب و در ماده الحاقیه پیشنهادی کمیسیون بودجه راجع به تعیین صد دوازدهم حق الحفاظه در معاملات مؤسسات رهنی و جزای متخلفین آقایان روحی - بهبهانی و حقنویس مخالف بوده و آقای روحی عقیده شان این بود بعد از (مؤسسات) لفظ (اشخاص) علاوه و بجای (اکثراً) حداکثر نوشته شود و کلمه متخلفین هم چون شامل قرض دهنده و قرض گیرنده هر دو میشود توضیح داده شود و آقای بهبهانی ذکر این ماده را جزء قانون تأسیس مؤسسه رهنی دولتی غیرمناسب و آقای حقنویس موجب زحمت مردم میدانستند.

آقایان مخبر و یاسائی شرحی مشعر به موافقت اظهار و پیشنهادی از طرف آقای روحی راجع به اضافه کلمه (اشخاص) بعد از مؤسسات رهنی قرائت و قابل توجه نشد.

آقای وزیر معارف آقای دکتر خلیل خان ثقفی را به معاونت وزارت معارف معرفی نمودند.

اصلاح دیگری از طرف آقای روحی مشعر به تبدیل کلمه (اکثراً) بعد از قرائت و آقای مخبر قبول نمودند.

آقای عصر انقلاب و عده از آقایان نمایندگان پیشنهاد نمودند (سایر مؤسسات) به کلیه مؤسسات تبدیل شود و در این خصوص رأی گرفته قابل توجه نشد.

ایضاً یک فقره پیشنهاد از طرف آقای فیروز میرزا و جمعی از نمایندگان راجع به تعیین صد دوازدهم حق الحفاظه و مال الاجاره و

مال الصلح در معاملات استقراضی مؤسسات و اشخاص و عدم صدور حکم از طرف محاکم عدلیه نسبت به مازاد آن قرائت و پس از مذاکرات لازمه نسبت به آن اخذ رأی شده قابل توجه و به کمیسیون ارجاع شد.

آقای مدرس ساده الحاقیه راجع به قبول وجوه مردم از طرف مؤسسه رهنی دولتی از قرار صدی شش حق الحفاظه پیشنهاد نمودند و برحسب تقاضای آقای مخبر به کمیسیون ارجاع شد.

ایضاً پیشنهادی از طرف آقایان فیهمی و عدل راجع به همین موضوع با تغییر عبارات قرائت و قابل توجه نشد.

ساده الحاقیه دیگری از طرف آقای مدرس مشعر به تخصیص دو خمس دیگر وجوه تقاعد به صندوق مؤسسه رهنی قرائت و آقای مخبر قبول نموده و نسبت به آن رأی گرفته تصویب گردید.

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله بیست دقیقه مجدداً تشکیل گردید.

راپورت کمیسیون متکرات راجع به طرح قانونی آقای شیروانی در خصوص مهاجرت به ایران مطرح و آقایان آقا سید یعقوب و مدرس مخالف بوده و جلوگیری از مهاجرت ایرانیان و اعاده ایرانیان مهاجر به خارجه را به وسیله تأسیس مؤسسات عام المنفعه و تعمیم عدالت و غیره اقدم و اولی میدانستند.

آقایان شیروانی و نویخت مخبر کمیسیون شرحی مشعر بمحسنات قانون مزبور اظهار و بالاخره نسبت به طرح مزبور رأی گرفته قابل توجه نشد.

طرح قانونی جمعی از آقایان نمایندگان راجع به تمرکز امور صحیه کل مملکت در اداره صحیه تحت نظر وزارت داخله و تعیین سمت معاونت فنی وزارت داخله و حق حضور در پارلمان برای رئیس اداره مزبوره بقید یک فوریت قرائت و نسبت به فوریت آن رأی گرفته تصویب و به کمیسیون داخله ارجاع گردید.

دو فقره خبر از شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقایان ملک آرائی و آقا شیخ محمدعلی ثابت از قزوین قرائت و نسبت به نمایندگی هر یک جداگانه اخذ رأی و تصویب گردید.

آقای طباطبائی و کیلی راجع بسوء جریان انتخابات سراب و گرم رود اظهار نمودند با اظهارات چند جلسه قبل معاون وزارت داخله حکومت آنجا هنوز تغییر ننموده و بجای خود باقی است.

جلسه آتیه به روز یکشنبه هشتم آبان ماه سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور آن راپورت کمیسیون بودجه راجع به مؤسسه رهنی و خبر کمیسیون متکرات راجع به خرید مستمریات و دو فقره شهریه مقرر و مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد.

نسبت به صورت مجلس مخالفی نبود و صورت مجلس تصویب شد.

یکشنبه ۸ آبان ماه ۱۳۰۵.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین (منشی: سید ابراهیم ضیاء) (منشی: میرزا حسین خان موقر)

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه پنجم آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق بیستم ربیع الثانی یک هزار و سیصد و چهل و پنج

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید.

صورت مجلس روز سه شنبه سوم آبان ماه را آقای ضیاء قرائت نمودند.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - قبل از دستور.

رئیس - آقای فومنی.

آقا سید زین العابدین فومنی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای وکیلی.

طباطبائی و کیلی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای اسامی.

اسامی - بنده عرضی ندارم آقای لبقوانی اجازه خواسته اند.

رئیس - آقای لبقوانی فرمایشی دارید؟

لبقوانی - بنده را در صورت مجلس غائب بی اجازه نوشته اند در صورتی که بتوسط آقای دیبا کتباً اجازه خواسته بودم.

طباطبائی دیبا - بنده هم تقدیم کردم.

رئیس - لابد به کمیسیون عرایض و سرخصی فرستاده شده است تحقیق میشود در صورتی که تصویب کرده باشند اصلاح میشود.

نسبت به صورت مجلس اعتراضی نیست؟

آقا میرزا هاشم آشتیانی - بنده عرض دارم.

رئیس - بفرمائید.

آشتیانی - راجع به آقای آقا میرزا ابراهیم هم بنده یک شرحی به کمیسیون عرایض نوشته بودم و برای ایشان تحصیل اجازه کرده بودم میدانم چه شده که کمیسیون عرایض اجازه یک روز سرخصی ایشان را تصویب نکرده است؟ واقعاً این سابقه خوبی نیست.

رئیس - بلی کمیسیون عرایض است. دیگر اعتراضی نیست؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - بنده اگر چه با مذاکرات قبل از دستور اصولاً مخالفم. چون وقت مجلس را خیلی مشغول میدارد ولی چون لوابیحی که حالا در دستورات چندان مهم نیست و مجلس دارد وقت خودش را مشغول میکند و گرفتاریهای زیادی در اوائل افتتاح مجلس نیست و لوابیح متراکم هم وجود ندارد از این جهت بنده خواستم وقت آقایان را قدری به عنوان مذاکره قبل از دستور توضیح کنم. یک موضوع مهمی است و آن موضوع مالیاتها است که همه آقایان مسبوتند. بدیهی است مالیاتها برای یکی از دو مقصود وضع و مطالبه میشود یا از نقطه نظر سیاست یک مالیاتی وضع میشود مثل اینکه سیاست دولت مقتضی است که استعمال

ترباک در مملکت محدود شود تا بالاخره از بین برود یا فرض بفرمائید بعضی از امتعه خارجی را میل ندارد وارد مملکتش بشود مالیات و گمرکش را سنگین میکند تا کم کم استعمال آن متاع در مملکت سوقوف شده و از بین برود. یک دفعه هست که برای رفع حاجت مملکت مالیاتی وضع میشود و از برای مخارج ضروری مملکتی میخواهند محلی معین نمایند آنوقت باید محلی که آسان تر و ترتیب پرداختش بهتر است در نظر بگیرند و حتماً باید در نظر داشته باشند که این مالیات یک مالیاتی نباشد که صنایع و حرف و زراعت و تجارت را از بین ببرد. ما یک شصت مالیاتهای کهنه داریم. یک شصت هم مالیاتهای نو - از مالیاتهای کهنه آن قسمتی را که مردم از شکایت ندارند مالیات گمرک است. من در دوره چهارم مدتی در کمیسیون عرایض بودم شکایات زیادی از هر وزارتخانه ستجمه از ادارات مالیه به ما میرسید ولی از قسمت گمرک کمتر شکایاتی دیده میشد و اگر احصائیه صحیحی از عرایضی که راجع به مالیه رسیده بود ترتیب داده میشد شاید صدی یکش ممکن بود متوجه گمرک بشود و سابقی آن مربوط به سایر دوائر مالیه بوده است عایدات فعلی مملکت ما با مالیاتهای جدیدی که در دوره سابق وضع شده که مالیات انحصاری باشد تصور میکنم بیست و هفت هشت میلیون شده باشد یعنی از بیست و چهار پنج میلیون تجاوز می کند از این مالیاتها چهار میلیون و نیمش مالیاتهای ارضی و صنایع داخلی مملکت است از قبیل مالیات آب و زمین و گاو و گوسفند و مالیاتهای که به دست رنج کاسب کار و صانع مملکت وضع شده از قبیل کفش دوز، پارچه باف، آهنگر و سایر اصنافی که در بازار مشغول کسب هستند. اینها از قدیم یک مالیاتهای برای شان وضع شده که تا بحال باقی مانده و ماخذ و بجای این مالیات عهد عتیق هم معلوم نیست که روی چه اساسی بوده بنده این فکر را در اواخر دوره سابق داشتم یعنی از اوائل دوره در این فکر بودم و در اواخر همان دوره هم سؤالی از وزارت مالیه کردم که میزان وصول مالیاتهای صنفی را معلوم نمایند که در این سنوات اخیر چقدر وارد صندوق مالیه شده است؟ در جواب من یک صورتی دادند که در آن عایدات وصولی سنه هزار و سیصد و یک و دو و سه معین شده بود و به طور فهرست معلوم میکرد که هر ولایتی عایدیش از این ممر چقدر بوده است. یک ستونهایی در اینجا تشکیل داده یکی سال وصول مالیات صنفی و دیگری مال بقایای این مالیات است. می نویسد: در سنه ۱۳۰۱ وصولی دولت از تمام نقاط مملکت صدوسی و سه هزار تومان بوده است در سنه ۱۳۰۱ شش هزار و کسری هم بابت بقایا وصول شده است. آن سال آخر که سنه هزار و سیصد و سه باشد صورتش را باز دولت داده و می نویسد: وصولی صد و هفتاد هزار و کسری بوده است بقایا هم مقداری وصول شده که مجموعاً یک صد و هشتاد و پنجاه هزار تومان میشود که در آن سال اسریکائیها خیلی جدیت کردند و مردم حتی پلاس و فرششان را هم فروختند و این مالیات بی اساس را

پرداختند. آقایان خوب است یک قدری وضعیت آن روز مملکت که این مالیاتها وضع شده و تقریباً دو بیست سال قبل بوده است توجه فرمائید و ببینید آن روز مملکت چه حالی داشته است آن روز اغلب این صنایع رواج و رونق داشته است مثلاً کفش در خود اینجا درست میشد و مردم هم بی پریشی داشتند ولی امروز اغلب کفشهای ما از خارج وارد میشود و آن کفشهای خارجه هم در داخله مملکت ما مالیات ندارد کفشان ما هم باید با دست و سوزن رقابت با ماشین بکنند. آن وقت مالیات گرفتن از این صنف آیا فایده دارد؟ اگر مقصود منسوخ شدن این کسب است؟ که نه من و نه شما و نه دولت گمان میکنم این کار را بپسندد. اگر مقصود منسوخ شدن این کسب باشد که این مالیات فعلی هم کم است بلکه باید زیادترش کنید در صورتیکه خیال من کنم دولت هم نظرش این نیست و فقط یک مسامحه ای در این کار شده و تصدی در این موضوع نبوده است یا مالیات نساجی روزی که در این مملکت برای نساج مالیات وضع شده موقعی بود که تمام مردم از منسوجات داخلی استعمال می کردند حتی یک قسمت از منسوجات ما تاروسیه و ترکستان هم می رفته و مصرف می شده است ولی امروزه منسوجات ما را غیر از خود نساج کسی نمی پوشد و تمام مملکت ما را منسوجات خارجه پر کرده است و این صنف باید با دست رقابت با ماشین های خارجی بکنند در صورتی که عرض کردم این استغنه که از خارج می آید مالیات هم نمی دهد. پس اگر مقصود از بین بردن این صنایع قدیمه است؟ که یک بحثی است علیحده! ولی اگر نظراتان تهیه یک منبع عایدی است برای مملکت؟ که این عایدی نیست. بلکه این صدوهشتاد هزار تومان مالیات صنفی بیشتر ضرر به مملکت میرسد و گدا درست می کند این است که بنده معتقدم اگر آقایان توجهی بکنند و به دولت تذکر بدهند که از اضافه عایداتی که اسمال پیدا شده است و تقریباً یک کرور است و بین وزارتخانه ها تقسیم شده است که شصت هزار و هفتاد هزار و کمتر و بیشتر به بودجه شان اضافه نمایند این صد و هشتاد هزار تومان مالیات را به این بدبخت ها ببخشند و مطالبه نمایند نه بگیرند نه بدهید (بعضی از نمایندگان - صحیح است) یک قسمت دیگر راجع به مالیات ارضی است. یک قسمت از این فکر در اوائل دوره چهارم برای دولت و مجلس پیش آمد. یعنی در نتیجه داد و فریاد دولت و مجلس معتقد شدند که این طرز مالیات خیلی اسباب زحمت مردم را فراهم می کند و بالاخره این فکر منجر به قانون سمیزی شد و یک قانونی برای سمیزی اسلاک در دوره سابق وضع شد که بروند و رسیدگی کنند و یک تصمیم عادلانه اتخاذ نمایند ولی بدبختانه قوانینی که از مجلس بیرون می آید اشخاصی که می توانند قانون را درست بفهمند و با نظر بی طرفی و بی غرضی آن را در مملکت اجرا نمایند عده شان خیلی کم است. بعضی ها نمی فهمند بعضی ها هم می فهمند ولی علاقه مند به اینکه روح قانون را اجرا نمایند نیستند از این جهت در موقع عمل و اجراء زحمات زیادی تولید میشود. پریروز از حضرت عبدالعظیم می آیدم به شهر چند نفر رعیت را دیدم که شکایت می کردند که ما مالیات جزو جمع این ملک

را پرداخته ایم و حالاً که آمده اند و سمیزی کرده اند تفاوت اسمال را باز از ما می خواهند به ارباب هیچ کاری ندارند و سزاجم او نیستند او گرفته است توی شهر راحت خوابیده و ما باید حبس بشویم و زراعت و زندگی مان از بین برود. در صورتی که مطابق قانون سمیزی مالیات را زارع نباید بدهد بلکه مالک باید تأدیه نماید (نمایندگان - صحیح است) این جمله را در راپورت دکتر میلسپو که مراجعه کردم دیدم بیشتر از چهار میلیون ونیم مالیاتهای ارضی و حیوانی و صنفی نیست و این را استدعا می کنم که آقایان یک فکری بکنند و یک محل دیگری بجای این چهار میلیون ونیم پیدا کنند و تا ده سال مجلس شورای ملی این مالیات را به مردم ببخشد و آنها را معاف کنند که این قدر مردم و رعایای مملکت ما به خارجه مهاجرت نکنند در کمیسیون سبکرات یک طرحی آقای شیروانی دیدم راجع به مهاجرت دیگران به مملکت ما که وسائل آمدن آنها را به اینجا فراهم نمائیم و یک تسهیلات و ترتیباتی برای کار آنها در آن طرح قائل شده بودند. حقیقت این طرح، طرح خوبی است دولت هم موافق است. راپورت آن هم تقدیم مجلس شورای ملی شد ولی باید فکری بکنیم که اینقدر رعایای ما از فقر و فاقه به خارجه مهاجرت نمایند ما باید وسائل آسایش آنها را فراهم کنیم. بنده هر چه فکر می کنم می بینم این رعایائی که به خارجه مهاجرت می کنند یک پولی در آنجا گذاشته نشده که بروند و بگیرند که بگوئیم به یک طمع میسروند. من در باد کوبه دیدم این ایرانیهای بدبخت با یک زحمت و فلاکتی در معادن نفت آنجا کار می کردند آن هم یک کارهای خطرناکی در قسمت بین النهرین هم میطور که سالی کلی از آنها تلف میشوند. یک نفر از رفقای بنده که از بندرعباس آمده بود می گفت پنج روز آنجا ماندم دیدم عده زیادی آمده بودند به خارجه مهاجرت نمایند که سائر عورت نداشتند. اینقدر بدبخت بودند! حالا لباس هیچ یک چیزی نداشتند که حداقل سائر عورتشان باشد. حالا این رعایا چرا بدبخت شده اند؟ آیا مملکت ما آب کم دارد؟ زراعت کم دارد؟ خیر. مملکت ما تجارتنی نیست و مملکتی است زراعتی بعضی از اربابهای اسلاک را می بینیم که همه داد میزنند رعیت ما کم است راست هم میگویند اگر رعیت بیشتر بشود مسلماً اسلاک آبادتر میشود. حاضر هم هستند مساعدت نمایند پس رعیت چرا نمی ماند؟ آنچه بنده فکر میکنم غیر از ظلم هیچ چیز رعیت را فرار نمیدهد. ظلم ارباب - مأمور - مباشر - تحصیل دار مالیه - مفتش مالیه است که فقط و فقط بواسطه اتکاء بقوه دولت ظلم می کنند و آنها را پراکنده می کنند. (جمعی از نمایندگان - صحیح است) و اگر بقوه دولت متکی نباشد نمیتواند ظلم کند. بنده بهانه ای اینکه مالیات دولت معطل مانده میروم رعیت را می چایم. به اربابش چون زبان دارد که شکایت کند و میترسم سرا از نان خوردن بیندازد کار ندارم و میگویم حالا که قانون استخدام شامل حال من شده است وقادر سطلق هم هستم اگر با ارباب طرف بشوم و از او پول بگیرم ارباب می رود و کیل بگیرد و یا من طرف میشود پس به بهانه وصول مالیات میروم آن زارعی را که غیر از سعی و عمل هیچ سرمایه دیگری ندارد

می چایم. آنوقت اینطور میشود که می بینید پس اگر ما تازه سال این مالیات را صرف نظر نمائیم و سعی در عمل فلاحت حاصل شده و مردم قدری جان میگیرند و این چهار میلیون ونیم را هم وقتی خوب درش دقت بکنیم ثلث بلکه بیشترش خرج وصول آن مالیات میشود. عمادی - نصف بلکه بیشتر.

حائری زاده - حالا من نخواستیم زیاد روی کرده باشم - تا میزان ثلث خرج وصول این مالیات میشود و وقتی که خرج آنرا موضوع نمائید چیز زیادی باقی نمی ماند و بهتر این است بجای آن یک مالیات دیگری مثل مالیات قند و چای و شکر و امثال آن که برای راد آهن وضع کردیم پیدا نمائیم که قائم مقام این مالیات کثیف بشود و تا ده سال دیگر این مالیات را معاف بداریم تا کسی توی سر رعایا نزند و یک سر منزلی پیدا کنند و برای خالصجات هم فکری بکنیم که فروخته شده یا بین رعایا تقسیم شود و مملکت از این بدبختی نجات یابد و بنده عرض خودم را خلاصه میکنم بدو جمله یکی فوری و دیگری بعد از فکر - آن قسمت فوری را بنده تقاضا میکنم که آقای رئیس بدولت تذکر بدهند و آقایان هم مساعدت نمایند که این صد و هفتاد و هشتاد هزار تومان مالیاتی که از اصناف بی چیز این مملکت گرفته میشود فوری لغو نمایند. چون چیز مهمی نیست و قسمت دیگر اینکه مالیات آب و زمین و حیوان را بعد از اینکه مطالعاتی درش شد دولت لواجیحی بیاورد و تقدیم مجلس نماید که قائم مقام این مالیاتها باشد و تا ده سال مردم از تأدیه ارضی و حیوانی معاف باشند و جانی بگیرند.

بعضی از نمایندگان. صحیح است.

رئیس - آقای فوسنی (اجازه)

آقاسیدزین العابدین فوسنی - در نتیجه مسافرت بگیلان و مشاهده وضع رقت آور صاحبان جنگل گیلان ناچار شدم مشاهدات خود را بعرض آقایان محترم و مجلس شورای ملی برسانم. یک جنگلهائی از قدیم الایام بمالکیت اشخاص معلوم باقی بود. اخیراً اداره مالیه بموجب یک اعلانی مالکین را از مداخله در ملکشان ممنوع و بدرکش هم همان تصویب نامه است آیا با بودن مجلس شورای ملی تصویب نامه باید مجری باشد؟ این است که خواستیم عرض کنم با بودن مجلس شورای ملی نباید تصویب نامه صادر شود و مردم را از مداخله در ملکشان ممنوع نمایند وقتی که از رشت برسی کشتیم در دوفروسخی رشت نزدیک جنگل دیدم یک عده ای برشت میروند و یک قدری هم چوب و درخت که قبل از صدور این تصویب نامه از طرف مالکین آن بریده شده بود میبردند برشت. عده ای از مأمورین مالیه جلوگیری کرده بودند که چون شما اجازه نگرفته اید باید برای هر چوبی ده شاهی بدهید بنده هر چه مذاکره کردم بالاخره نتوانستم آنها را متقاعد نمائیم این بود که به عرض مجلس شورای ملی برسانم که حقیقتاً اگر باید برای اشجار جنگل یک قانونی وضع شود خوبست تکلیفش را معین فرمائید و به دولت تذکر بدهند که هر چه زودتر این وضع را خانمه بدهد لایان رعایا در دهات گیلان محتاج ذغال هستند. زمستان است و اندکاً اداره مالیه نمی گذارد مردم به اشجار ملکی خودشان دست بزنند. مثلاً

اعلان کرده اند درخت توت، درخت آزاد، درخت شمشاد، اینها درختهای صنعتی است و هیچ حق ندارید قطع کنید. سیاه درخت مطلقاً نباید قطع شود. رعیت جلوی خانه اش سیاه درخت است می خواسته برای آذوقه سال و زغال منزلش درخت قطع کند مأمورین مالیه جداً ممانعت می نمایند و می گویند چرا اینطور کرده اید. این است که از آقایان نمایندگان محترم استدعا میکنم هر چه زودتر وسائل آسایش اهالی گیلان را فراهم آورند و به دولت تذکر داده شود که حقیقتاً مردم خیلی بیچاره و مستاصل شده اند اینها هم اعلانات و تصویب نامه هائی است که مالیه صادر کرده است

(یک عده اوراق ارائه دادند)

رئیس - در چندی قبل دو فقره پیشنهاد به امضای یک عده ای از آقایان به مجلس شورای ملی تقدیم شده و تقاضا کرده بودند که در راپورتی که در دوره پنجم از کمیسیون داخله و فوائد عامه تقدیم مجلس شده و مورد تصویب واقع نشده است مجدداً به همان کمیسیونها ارجاع شود و چون کمیسیونی موجود نبود و انتخاب نشده بود ماند تا بعد تکلیفش معلوم شود این است که حالا به عرض مجلس میبرسد. اولاً پیشنهاد عده ای از آقایان راجع به ارجاع خبر کمیسیون فوائد عامه در خصوص الغاء فراسین بلامدت به کمیسیون فوائد عامه فعلی. قرائت میشود:

(به شرح ذیل قرائت شد)

مقام مقدس مجلس شورای ملی، نظر به اینکه کمیسیون فوائد عامه تحت صفحه ۴ سورخه ۲۱ خرداد ۱۳۰۴ راپورتی صادر نموده و متأسفانه در مجلس پنجم برای طرح راپورت مرقوم به واسطه کثرت لواجیح و ضیق وقت موقع مناسبی یافت نگردیده علیهذا پیشنهاد می نمائیم مقرر گردد راپورت کمیسیون سابق در کمیسیون جدید تحت شور قرار گرفته زودتر راپورت کمیسیون جدید در مجلس مطرح شود.

حائری زاده - عراقی - رضا مهدوی - عصر انقلاب -

بهبهانی - علی دشتی - امیر حسین بختیاری - فاطمی -

عبدالاسیر نگهبان - هاشم آشتیانی.

رئیس - مطابق ماده ۲۳ نظامنامه داخلی اینگونه راپورتها را اگر کمیسیون موجود تقاضا کند بدون رأی مجلس فرستاده میشود و اگر لا اقل ده نفر از نمایندگان تقاضا کنند بدون مباحثه در مجلس به قیام و قعود رأی گرفته میشود. حال رأی می گیریم به قبول این پیشنهاد یعنی ارجاع خبر کمیسیون فوائد عامه دوره پنجم در خصوص الغاء فراسین بلامدت که لایحه اش از طرف دولت تقدیم مجلس شده است به کمیسیون فوائد عامه فعلی آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. تقاضای دیگر از طرف جمعی از

آقایان دائر به ارجاع خبر کمیسیون داخله دوره پنجم راجع به

قانون بلدی به کمیسیون داخله جدید.

(اینطور قرائت شد)

مقام مقدس مجلس شورای ملی - نظر به اینکه در مجلس چهارم و پنجم کمیسیون داخله راجع به تجدید نظر در قانون بلدیة راپورتی تقدیم مجلس شورای ملی نموده و کثرت لوائح موقوع برای تصویب این قانون ندارد و نظر به اینکه وسائل آسایش اهالی شهرنشین از حیث نظافت و امور صحی و معارفی و غیره بعد از بیست سال عمر حکومت ملی لازم است فراهم گردد و با مشکلاتیکه در اجرای قانون بلدیة فعلی هست نمیتوان اسبوار بود اهالی این مملکت از این نعمت بهره و نصیب داشته باشند علیهذا ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا داریم مقرر گردد راپورت کمیسیون داخله دوره پنجم تقنینیه سجدت مراجعه به کمیسیون داخله شده راپورت کمیسیون زودتر در مجلس مطرح شود . عراقی - حائری زاده - آقای غلامحسین سقور - علی دشتی - رضا مهدوی - حقنویس - فاطمی - معظمی - بهبهانی - امیرحسین بهختیاری - حسین جلالی - غلامحسین سععود - هاشم آشتیانی - مدرس - مرتضی قلی خان بیات عبدالله میر نگهبان - عصر انقلاب -

رئیس - رأی گرفته میشود بقبول این تقاضا آقایانیکه موافقت قیام فرمایند .

عده زیادی برخاستند

رئیس - تصویب شد - خبر کمیسیون بودجه راجع بمواد ارجاعی به کمیسیون در خصوص مؤسسه رهنی .

(بشرح آتی قرائت شد)

خبر از کمیسیون بودجه به مجلس مقدس شورای ملی کمیسیون بودجه پیشنهادات آقایان نمایندگان راجع بلاوجه مؤسسه رهنی را تحت شورفرار داده ساده پنجم ماده الحاقیه را بترتیب ذیل اصلاح و برای تصویب تقدیم مینماید :

ساده پنجم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون و مکلف است از تاریخ تصویب در ظرف سه ماه اولی نظامنامه مؤسسه را تهیه و بتصویب هیئت دولت رسانیده و ثانیاً مؤسسه مزبور را تأسیس نماید .

رئیس - ساده پنجم مطرح است . آقای حق نویس (اجازه) حق نویس - بنده در ماده الحاقیه عرض دارم .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب .

آقاسید یعقوب - بنده موافقم .

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بنده هم در ماده الحاقیه عرض دارم .

رئیس - رأی گرفته میشود بماده پنجم آقایانی که توافقت قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده الحاقیه مطرح است . قرائت میشود .

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده الحاقیه - دولت مکلف است مأخذ حق الحفظه را در باره سایر مؤسسات رهنی اکثرأ از قرار صدی دوازده تعیین و متخلفین بادای مسقابل وجهی که علاوه بر مأخذ فوق قرارداداند محکوم

خواهند بود .

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنظر بنده این ماده الحاقیه خوب تنظیم نشده است چون که فقط مربوط و متوجه است بمؤسسات رهنی رسمی و راجع باشخصی هم که در خانه های خودشان این عمل را می کنند لازم بود در اینجا یک قیدی بشود و خوب بود یک لفظ (اشخاصی) هم بعد از مؤسسات اضافه میکردند . این یک قسمت بعلاوه آن ساده الحاقیه که آقایان پیشنهاد کردند قصدشان این بود که دولت نظارت داشته باشد در تمام مملکت و برای اشخاص یک حدی معین کنند که ظالمانه نباشد ولی این پیشنهاد یکسسته بدیخت را از کار باز میدارد ولی آن اشخاصی را که در خانه و منزل خود پول قرض میدهند و صدی ۲۴ صدی ۴۸ صدی ۵۰ یا هر قدر که دلشان بخواهد نرخ را ترقی میدهند محدود نمی کنند معلوم نیست آنها تکلیفشان چیست ؟ یکی دیگر از اشکالاتی که بنده دارم لفظ (اکثرأ) است که من نمی فهمم و خیلی تعبیر بردار است و معلوم نیست اکثرأ نسبت بمؤسسات است یا نسبت بحق الحفظه و بایستی (اکثرأ) را (حد اکثر) کنند و اگر این طور ننویسند اشکال دارد . یکی دیگر راجع بمتخلفین است . آیا مقصود هر دو طرف است یعنی من هم که قرض میکنم اگر زیادتر حق الحفظه را قبول کنم باید جرم بدهم او هم که قرض میدهد باید جرم بدهد یا نه ؟ من این موضوع را هم نفهمیدم خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که آیا شامل حال قرض گیرنده هم میشود یا خیر ؟

مخبر - در قسمت اول اعتراض نماینده محترم لازم است بعرض برسانم که کمیسیون در این باب خیلی صحبت کرد بالاخره موضوع یک موضوع مهم و جالب توجهی تشخیص داده شد که این موضوع مهم مستلزم وضع یک قانون قضائی است و آوردن آن در جزو یک قانونی که برای تأسیس یک مؤسسه صرافی وضع میشود برخلاف ترتیب است و راجع است بقوانین مملکتی و قانون معاملات یا قوانینی که مربوط بمالیه است و کمیسیون همین طور تشخیص داده که این مطلب در تحت یک لایحه دیگری بمجلس تقدیم شود و در این لایحه نمی شود تمام نظریات را تأمین نمود . فرض میکنیم نظریه شما را بخواهیم اجرا نمائیم . فلان شخص رفته است توری خانه یک کسی و بقول آقای ضیاء الملک مطابق قانون عرضه و تقاضا یک معامله کرده . دولت هم اطلاع ندارد . یک قسمت از این معامله را همانطور که گفته شد مخفی میکنند یک قسمت را علنی سندی هم در این باب در کمیسیون ارائه شد که ممکن است این کار بشود خوب آنوقت چه باید کرد ؟ بلی اگر ما یک قانون معاملات بگذرانیم که دولت تمام معاملات که در مملکت میشود در دفاتر مخصوص ثبت نماید وقتی که معاملات در یک مکان معینی ثبت شد و تمام اشخاص و تجارتخانه و مؤسسات رهنی مجبور بودند معاملات خود را در آن دفاتر ثبت نمایند آنوقت یک مجازاتی هم که برای یک فرد متخلف در چنین ماده قرار دادیم عملی میشود و میتوانیم بگوئیم که زمینه اصول این فکر را معین کرده ایم

ولی در این قانون مؤسسه رهنی نمی شود و باید در اینجا فقط موادی که ممکن است اصطکاک با این قانون بکنند جلوگیری و پیش بینی نمائیم و سایر مطالب راجع بقوانین دیگری میشود که بعد باید تهیه شود از قبیل اینکه اساساً استقراضها در مؤسسات رهنی بعمل بیاید و عملاً از استقراضهای شخصی جلوگیری بشود . الان هم گویا نظامنامه در وزارت فوائد عامه وضع شده است که بموجب آن کسانی میتوانند پول قرض بدهند که یا شرکت در مؤسسات رهنی نمایند یا خودشان مؤسسه باز کنند . ما هم حالا در ضمن تأسیس بانک یا مؤسسه رهنی دولتی میخواهیم همان مؤسسات را محدود نمائیم که از این حد تجاوز نکنند . البته آن موضوعاتی را که نماینده محترم فرمودند خیلی مهم است ولی باگذراندن یک ماده قانون بی سروته ممکن نیست موافق شویم .

رئیس - آقای بهبهانی (اجازه)

میرزا سیداحمد بهبهانی - مخالفت بنده در این ماده الحاقیه از دو نقطه نظر است یکی از نقطه نظر قانون گذاری یکی هم از نقطه نظر عمل . اما از نقطه نظر قانون نویسی تصور میکنم یک قانونی که برای ترتیب یک مؤسسه رهنی مینویسند این قانون صلاحیت ندارد براییکه در سایر مؤسسات یا در سایر معاملات هم دخالت داشته باشد و بالاخره یک ماده را که هیچ مربوط به این مؤسسه رهنی که اینجا درصدد تأسیسش هستیم نیست در اینجا بگنجانیم فائده ندارد . با اینکه بنده تصور میکنم و موافق هم هستم که باید برای مؤسسات رهنی یک ترتیبی داده شود که رفع گرفتاری مردم بشود ولی با یک ترتیب سهلتری و آن هم جایش اینجا نیست زیرا این قانون برای تأسیس یک مؤسسه رهنی است که دولت از نقطه نظر رفاهیت عامه میخواهد تشکیل بدهد دیگر اینکه در این ماده قبل که الان رأی داده شد نوشته شده است مجری این قانون وزارت مالیه است . آیا جلوگیری از مؤسسات رهنی تکلیف وزارت مالیه است ؟ خیر بنده تصور میکنم این تکلیف وزارت عدلیه یا وزارت فوائد عامه یا وزارت داخله است . در هر حال از نقطه نظر قانون گذاری و قانون نویسی جای این ماده اینجا نیست و هم چنین از نقطه نظر عمل هم این ماده کافی برای جلوگیری از زیاده روی مؤسسه های رهنی نسبت به اشخاصی که می خواهند قرض بکنند نیست . چرا ؟ بجهت اینکه بهمین دلیلی که آقای مخبر بیان کردند ممکن نیست ترتیب معامله را در مؤسسات رهنی معین کرد زیرا در آنجا منتش و تقنینی در کار نیست و به اضافه یک دفتر معینی از برای جمع و خرج در مؤسسات نیست به جهت اینکه مؤسسات رهنی در واقع یک معاملات شخصی است یک اشخاصی میروند آنجا و یک چیزهایی را به ودیعه میگذارند و یک پولی میگیرند چنانچه الان هم ملاحظه میفرمائید این پولی را که میگیرند یک وجهی هم از بابت منافع آن قبلا کم می کنند ولی این وجه هیچ داخل در حساب نخواهد آمد و روی کاغذ هم نوشته نمی شود بنابراین ممکن است مؤسسات رهنی هم عمل خودشان را بجا بیاورند و این ماده هم جلوگیری ننماید . چون ما می بینیم که در معاملات مؤسسات یک عملیاتی میشود که ظاهراً با باطنش خیلی

فرق دارد اگر ظاهر آن معامله را هر متصفی نگاه بکند حق میدهد که آن معامله خیلی خوب واقع شده و بصرفه معامله کننده است ولی اگر باطنش را متوجه شوند می بینند که این بیچاره قرض کننده در این معامله که واقع شده چه به سرش آمده است و به اضافه در آن کاغذ که اسماً نوشته اند صد تومان به او داده شده است از قرار صد دوازده ممکن است هشتاد تومان گرفته باشد و از آن طرف هم صد دوازده را داده باشد . بنابراین بنده مخالفم که این ماده در این قانون نوشته شود ولی موافق هستم که اساساً قانونی برای جلوگیری از زیاده رویهای مؤسسات رهنی وضع بشود .

رئیس - آقای یاسائی . (اجازه)

یاسائی - اعتراضات آقا راجع بچند قسمت بود یک قسمت راجع بود به اینکه دولت نباید حق دخالت در مؤسسات رهنی داشته باشد . بنده تصور میکنم این طور نباشد برای اینکه بالاخره دولت در این عصر حاضر خرده خرده باید در کلیه مسائل دخالت کند ما قانون تجارت را که نوشتیم یک اصولی راجع به شرکتها در آنجا هست و این مداخله ایست که در تمام دنیا حکومتها در امور اقتصادی مینمایند و همین طور در مؤسسات رهنی هم مداخله می کنند . حالا اگر یک مؤسساتی مسلمانها یا کلیسیاها تشکیل بدهند و اینها بخواهند صدی بیست از مردم بگیرند این چه ضرری دارد که دولت جلوگیری بکند و مداخله در این کار بنماید ؟ این در واقع یک کمکی است که دولت نسبت به مردم می کند . بعلاوه مقصود ما از این پیشنهاد چه بود ؟ مقصود ما این بود که اگر مؤسسه رهنی دولت صد نه می گیرد سایر مؤسسات هم به حال خود باقی باشند و این طوریکه وزارت فوائد عامه معین کرده است صد هیچده دورابر بگیرند ما چه اطمینانی داریم که همان مؤسسات رهنی فعلی بیایند و با یک وثائق و مرهونه های یک پولهایی از این مؤسسه قرض بکنند و بروند مؤسسه خودشان را اداره نمایند ؟ یعنی بالاخره چهارصد تومان ، چهارصد تومان از مؤسسه دولتی قرض میکنند و میروند آن را به میزان صد سی به مردم میدهند و به اضافه پول این مؤسسه هم اینقدرها نیست که با حوائج عامه تکافو بکنند . و اینکه فرمودند اجرای این قانون با وزارت مالیه نیست و مؤسسات رهنی ملی تحت نظر وزارت فوائد عامه است و این ماده قانون هم اینجا مورد ندارد نوشته شود . بنظر بنده اشکال زیادی ندارد زیرا ما نظیر این قسمت را خیلی داریم که مثلاً یک وزارتخانه از وزارتخانه دیگر تقاضای اجرای بعضی مواد را میکند . خیلی اتفاق افتاده است که وزارت عدلیه از وزارت داخله تقاضا کرده است که فلان ماده قانون را که مربوط به وزارت عدلیه است اجرا کن یا از وزارت فوائد عامه تقاضا کرده است که در اجرای فلان قانون کمک کن . و این هیچ اشکالی ندارد . بعلاوه اگر آن ماده (پنج) تصویب نشده بود بنده تقاضا میکردم که نوشته شود مالیه و فوائد عامه هر دو مأمور اجرای آن باشند ولی حالا که آن ماده تصویب شده است ممکن است مالیه تقاضای اجرای این ماده را از فوائد عامه بکند یا خود مالیه هم اجرا بکند بجائی بر نمی خورد و عیبی هم ندارد . و اینکه فرمودند تقنین در مؤسسات رهنی ملی ممکن نیست

این هم بنظر بنده هیچ اشکالی ندارد که به تقاضای وزارت فوائد عامه یا ماسورین آن مستقیماً تقنینی در مؤسسات رهنی بکنند چنانچه وزارت فوائد عامه هم یک نظامنامه نوشته است و حق الحفظه را صد هجده قرارداد داده است و لابد بموجب آن نظامنامه هم یک تحقیقات و تقنینیاتی می کنند. بنابراین ایراداتی که حضرت آقا فرمودند به نظر بنده چندان وارد نیست و اگر این ساده نباشد سایر مؤسسات از این مؤسسه دولتی خیلی استفاده خواهند نمود.

رئیس - آقای حق نویس. (اجازه)

آقای میرزا علی حق نویس - این ماده الحاقیه برای مساعدت و برداشتن یک فشارهای زیادی از مردم پیشنهاد شده است ولی این طوریکه تنظیم شده است به عقیده بنده فشار را به مردم زیادتر کرده است و منظور از آن پیشنهاد را بکلی معکوس نموده است برای اینکه اینجا تخصیص داده بعنوان حق الحفظه و کلمه حق الحفظه هم یک چیزی نیست که مؤسسات مجبور باشند آن را برای خودشان اختیار نمایند و ممکن است تمام این مؤسسات بعنوان حق الحفظه رادر معاملات که حقیقه رهنی است بصورت مال الصلح قرار دهند. آنوقت نتیجه چه خواهد شد؟ این میشود که الان که به عنوان حق الحفظه میگیرند (این بیچاره بدبخت پریشانی که آخرین بقایای ضروریش را برده است و در یک بانک رهنی گذاشته است و با این نفع زیادی که میدهد) اولاً حالا مختار است و یک ماه فرع را میدهد. بعد هم هر وقت که اصل پول را برد داد آن مدتی که گذشته است فرع ازش میگیرند و از آنطرف یکسال هم که گذشت بعد از یکسال مکلفند بطور مزایده بفروشند و بعد از فروش مؤسسه طلب خودش را با فرع بر میدارد و بقیه را به او رد مینمایند و اینجا به این ترتیب یک منافع و فوائدی برای قرض گیرنده دارد که مختار است و هر وقت میتواند قرضش را بدهد و همین طور هر وقت هم مالش بفروش رفت سزادش را به او میدهند و دولت هم در اینجا یک فوائدی از این راه میبرد یعنی یک مالیاتی به عنوان حراج میگیرد ولی این طوری که حق الحفظه را محدود کرده اند ممکن نیست مؤسسات را مقیدشان کرد که شما مجبورید عنوان معامله خودتان را حق الحفظه قرار بدهید.

فاطمی - چرا نمی شود؟

حق نویس - برای اینکه معاملات آزاد است و مؤسساتی که دائر میشود مقید نیستند که حتماً این قسمت را قبول کنند و ممکن است معاملات خودشان را بطور مصالحه قرار دهند. در این صورت نتیجه چه میشود؟ این میشود که برای فرع گرفتن هم یک صورتی پیش بینی می کنند که مثلاً معادل فلان قدر قرض گیرنده از مال خودش را به آنها صلح بکند و آنوقت قرض گیرنده بیچاره اگر بخواهد در ظرف دو ماه یک مقدار از قرض خودش را بدهد نمی تواند برای اینکه تا آخر سال به فلان مبلغ به آنها صلح کرده است و باید تا آخر سال همان فرع را بدهد و به اضافه اگر مدت هم منقضی شد و ظرف خیارش تمام شد آن مال متعلق به او است و مؤسسه هیچ مجبور نیست به سزایده بگذارد همینطور میگذارد هر وقت مشتری سستی پیدا کرد آنوقت میفروشد. علاوه

خانه هایشان همه نوع معاملات میکنند آنها را آزاد گذارده اند و بنده تصور میکنم این ماده الحاقیه یک ماده المانه ایست که یک عده معدودی را از کسب و کار باز میدارد ولی مابقی آزادند.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده برای استحضار آقای روحی و آقای حق نویس و هم چنین شاید در مجلس یک سوءظنی پیدا شده باشد در اینکه این ماده برای چه بوده است؟ این است که عرض میکنم روزنامه های ما حقیقه خیلی متوجه هستند به مجلس و در یکی از روزنامه ها نوشته شده بود که فردا این مؤسسه رهنی که تشکیل شد میآیند به عناوین مختلف و ترتیباتی که میداند تمام پولها را از اینجا میبرند و به صد هفده و صد هجده و صد بیست و چهار در مؤسسات خودشان قرض میدهند (و این را تذکر داده بودند به مجلس) این بود که برای اینکه جلوگیری از این چیزها شود این ماده را تنظیم کردند که لاقول این ششصد هزار تومانی که دولت از صندوق متقاعدین قرض کرده است یک مؤسسه بشود برای رفاهیت مردم که دو مرتبه در چنگال خونی این مؤسسه های رهنی که در طهران تشکیل شده است نیفتند. این پیشنهاد آمد در کمیسیون و کمیسیون در اطراف آن ملاحظه کرد و دید این یک قدم اصلاحیه است حالا آقای روحی میفرمایند «اشخاص» یا اینجا فلان طور است. آقا همانطور که آقای مخبر و سایرین هم بیان کردند آن کسی که میخواهد تخلف از قانون بکند بعد از اینکه از این ماده قانون هم مستحضر شد هیچ وقت نمیآید حق الحفظه را به چه که اسمش را بگذارید از صد هجده کمتر قرار نمیدهند و بلکه وقتی که می بیند مردم معطل هستند و پول میخواهند از اصلش هم کم میکنند یا روی اصلش میکشند اینها چیزهایی نیست که بتوانیم تعبیر کنیم اصول اساسی برای جلوگیری این قبیل چیزها بود که این پولی که در این صندوق مؤسسه است بدست این مؤسسه های رهنی نیفتد. یک مسأله دیگری که بنده در نظر دارم مسأله تخلف است که آن کسی که تخلف میکند آیا باید در کدام محکمه محاکمه شود؟ غرضم این موضوع بود.

مخبر - تصور میکنم توضیحات بنده نماینده محترم را قانع نکرد مجلس شورای ملی قبل از همه چیز در موقع قانونگذاری باید طریق عملی قوانین را در نظر بگیرد و آن وقت قانون بنویسد بنده معتقد نیستم یک قانونی در مجلس وضع شود و برود جزو مجمع القوانین که اینک نظائرش را دارید قانون تشکیلات وزارت داخله یک قانونی است که در جزء مجمع القوانین مانده است و ممکن نشده او را اجراء کنند چرا؟ برای اینکه دوازده میلیون بودجه میخواهد تا بشود او را اجراء کرد. همان طور که عرض شد در مملکت ما معاملات چند قسم است یک قسم اینست که اغلب کسانی که معامله مینمایند امضای همدیگر را قبول دارند و آدرس مراسلاتشان را احترام میکنند و هیچ لازم نمیدانند که در جائی بروند ثبت کنند و در هیچ محضری هم نمیروند اعتراف نمایند. مثلاً هزار تومان بنده قرض میکنم یک فهرست یا یک کاغذ میدهم به آن طرف و یک مال المصلحه هم قرار میدارم بعد هم سرشش

ماه میروم پول او را پس میدهم و کاغذم را پس میگیرم. بنده عرض میکنم این ترتیب را شما چه معامله میخواهید یا او بکنید کاغذی توی صندوقخانه خانه ام با یک رفیقم رد و بدل میکنم. این را چکارش خواهید کرد؟! یک عده دیگر هم هست که محاضر شرع محل معاملاتشان است و وثوق به آن محاضر دارند و میروند در یک محضری فرضاً هزار تومان قرض کرده اند صد تومان هم مال الصلح قرار داده اند و اضافه میکنند به آن و هزار و صد تومان بطرف میدهند و کاغذ را هم میگذارند توی جیبش و سرشش ماه هم میروند پولش را میدهند و قبضش را پس میگیرند این را چکارش میخواهید بکنید؟! نورا این شخص را توی خیابان میگیرید که تو قاچاقچی هستی؟! عرض کردم این ترتیب عملی نیست اول شما باید بفکر مرتب کردن معاملات در مملکت باشید تا این فکر عملی شود بلی این فکر شما خیلی فکر صحیح و خوبی است ولی در موقع عمل باید دید بکجا برسی خورد؟ شما اول باید در مملکتان اداره معاملات داشته باشید که مردم مجبور باشند برای حفظ اعتبارات معاملات اسناد خودشان را در آنجا ثبت کنند و در آن موقع مال الاجاره یا مال الصلح هر چه و به هر قدر که الان میخواهد بگذارد والا این کلمه را اگر بخواهیم به این ماده اضافه کنیم بکلی این ماده را غیر عملی میکند و در کمیسیون هم این نظریه رد شد.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. آقای وزیر معارف فرمایشی دارید؟ وزیر معارف - اجازه میفرمائید؟ آقای دکتر خلیل خان ثقفی را بسمت معاونت وزارت معارف به مجلس شورای ملی معرفی میکنم.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای روحی.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

در ماده الحاقیه بنده پیشنهاد میکنم که اکثر آحاد اکثر نوشته شود. مخبر - این پیشنهاد را بنده قبول میکنم و لازم نیست توضیح داده شود.

رئیس - پیشنهاد عده از آقایان راجع به اصلاح ساده الحاقیه.

(به شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه به ترتیب ذیل اصلاح شود: ماده الحاقیه - دولت مکلف است مأخذ حق الحفظه را درباره کلیه مؤسسات اکثر از قرار صدی دوازده تعیین، الی آخر، عصر انقلاب - طباطبائی و کیلی - لیاقوتی - انامی. رئیس - یک نفر از امضاء کنندگان میتوانند توضیح بدهند. آقای عصر انقلاب بفرمائید.

عصر انقلاب - نظر دولت این بوده است که یک آسایشی برای مردم ایجاد کند ولی در این جا که محدود کرده است به یک مؤسسه های مخصوصی قطعاً بعضی مؤسسات از بین میروند و مردم هم ناراحت میشوند و نظر بنده این بود که رفاهیت حال مردم

فراهم بشود و ضمناً آن مؤسسات هم از بین نرود این بود که این پیشنهاد را تقدیم کردم و مقصود حذف کلمه رهنی است.

رئیس — عبارت این ماده این است: «در باره سایر مؤسسات رهنی اکثراً» و این جا باید نوشته شود «کلیه مؤسسات» که لفظ رهنی نباشد.

رئیس — آقای بیات، (اجازه)

مرتضی قلی خان بیات — در این قسمت مذاکراتی شد و یکی دو فقره هم پیشنهاد شد و یک پیشنهادی هم جمعی از آقایان کردند که البته بعد آن پیشنهاد قرائت خواهد شد. بعقیده بنده این قسمتی را که آقای روحی اظهار داشتند که چطور دولت میتواند جلوگیری از این قسمتها بکند البته جلوگیری از این مسائل خیلی مشکل است و ممکن نیست و ایسن قسمتی را که آقای عصر انقلاب و سایر آقایان پیشنهاد کردند که سایر مؤسسات رهنی کلیه مؤسسات رهنی نوشته شود همان طور که سابقاً هم عرض شده نظر جمعی از آقایان اینست که بطور کلی این قسمتها محفوظ شود و منحصر به مؤسسات نباشد و عمومیت داشته باشد زیرا همان طور که آقای روحی اظهار کردند اگر عمومیت نداشته باشد عده از این مؤسسات هم از بین می رود برای اینکه وقتی اشخاص آزاد باشند برای معامله دیگر مجبور نیستند مؤسسه رهنی باز کنند میروند در خانه شان این کار را میکنند و دیگر یک مخارجی برای مؤسسه و غیر ذلک نمیدهند و مسلماً وقتی که این ترتیب شد این مؤسسات هم از بین میروند و نتیجه هم برای انجام آن مقصود آقایان که جلوگیری از این قسمتهاست نخواهد داشت.

رئیس — عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر — بسته به نظر مجلس است.

رئیس — رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس — قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر.

(به ترتیب ذیل خوانده شد)

اصلاح ماده الحاقیه — مأخذ هر وجهی که در سایر معاملات استقراضی مؤسسات و اشخاص به عنوان حق الحفظه و مال الصلح و مال الاجاره معمول میباشد حداکثر آن صدی دوازده خواهد بود و محاکم عدلیه نسبت به مبالغی که علاوه بر میزان فوق قرارداد شده حکم نخواهند داد. شریعت زاده، محمدعلی نظام مافی، مدرس، حاج شیخ بیات، عمادی، ملک مدنی، حسن الخراسانی، دولتشاهی، فیروزه حیدری مکری، مرتضی بیات، احتشام زاده، صادق خواجوی، داور، امیر حسین، یا سائی، عبدالباقی، روحی، اسفندیاری، جلالی، مهدوی، ملک ایرج پور تیمور، اقل الحاج علی اکبر.

رئیس — آقای فیروز میرزا.

فیروز میرزا — موافقم.

رئیس — توضیح بدهید.

فیروز میرزا — این پیشنهاد را که جمعی از آقایان تهیه و امضاء کردند که به عرض مجلس برسد یکی از پیشنهاداتی است

که بعقیده بنده خیلی مفید است. در ضمن مذاکراتی که شد یکی دو فقره اعتراض بر نظائر این پیشنهاد بعمل آمده که بعقیده بنده وارد نیست و قبل از اینکه مجدداً تکرار شود بنده از نقطه نظر توضیح این مسأله را عرض میکنم: یک اظهار می شود که دولت نباید مداخله در امور مردم بکند. این نظر یکی از قسمتهای اصولی است و این مطلب خیلی صحیح است و اصولاً بنده خودم هم یکی از اشخاصی هستم که قویاً معتقدم که به هیچ وجه نباید تشویق کرد و نباید هم اجازه داد که در قسمتهای زندگانی خصوصی افراد و اختیار آنها نسبت به زندگانی خودشان دولت به هیچ اسم و رسم مداخله نماید ولی این اصل را بنده نمیدانم چطور آقایان تطبیق میکنند در مورد گذراندن یک قانونی که مربوط بمشروع بودن حق الحفظه یا مال الصلح در معاملات استقراضی است این یک مطلب حقوقی و قانونی است که هیچ با آن اصل صحیحی که بنده هم با آن موافق تطبیق نمیشود اگر آقایانی که با آن اصل موافقت گمان میکنند که باید گذاشت اشخاص صد سی و صد چهل و صد پنجاه و صد شصت حق الحفظه یا مال الصلح بگیرند این بسیار عقیده بدیست یکی دیگر اینکه اینجا در پیشنهاد آقایان ملاحظه میفرمایند که کاملاً رعایت آزادی و اختیار اشخاص و تسلط آنها بر اموال خودشان شده. هیچ کس منع نمیکند از اینکه دو نفر بتراضی با هم معامله خصوصی بکنند و کسی نمیتواند جلوگیری کند. آقای شیروانی در ضمن مثالی فرمودند که من خودم یک سندی بدیگری میسپارم. بهمدیگر هم اعتماد داریم و تراضی میکنیم در اینکه مبلغی زیادتر از این میزان پرداخته شود خیلی خوب. مانعی نیست ولی مقصود از این پیشنهاد اینست که اگر وقتی اختلاف و دعوائی حاصل شود و مطلب به محاکم عمومی محول شود محاکم عمومی سقیم باشند از این حد تجاوز نکنند و حکم ندهند و اگر آقایان درست دقت بفرمایند این پیشنهاد هم ملاحظه اختیار اشخاص و تسلط آنها را بر اموال خودشان کرده و هم وظیفه اولیه قانونگذاری است که نسبت به مداخله محاکم عمومی حدودی معین کرده است بعضی از آقایان اظهار کردند که محل یک همچو ماده در این قانون نیست اگر یک اعتراضی در تمام این اعتراضات ممکن است منطبق داشته باشد یعنی مطابق منطق خودم والا البته همه اظهار کنندگان برای اظهارات خودشان منطقی قائل هستند و بنده منکر منطق آنها نیستم ولی اگر مختصر اعتراضی فی الجمله وارد باشد شاید در همین قسمت باشد و این توضیح را آقایان دیگر هم در ضمن یک مسائلی اظهار کرده اند: انشاء این مسأله در ضمن این قانون حقیقه تکمیل امر نیست ولی بمناسبت اینکه سوردی پیدا شده در مجلس و از حق الحفظه و اسناد آن مذاکره میشود و از یک حدی صحبت میشود یک اصلی را ما اینجا پایه برایش میگذاریم ولی البته این اصل باید در ضمن قوانین دیگر — مواد دیگر — در جای خودش تکمیل شود. در عمل معایب مفاسد و اشکالاتی ممکن است پیدا شود و دیده شود که بعد حسب تجربه در موقع و محل خودش اصلاح شود ولی زحمتی بر هیچ کس امروز از انشاء و اصلاح این امر متوجه نمیشود بلکه ما یک فائده بزرگی

میبیریم که دولت و قانونگذار را که مجلس است متوجه مینمائیم که در این زمینه در هر موردی که دستشان میرسد و پیش میآید مکملی برای این ماده وضع و به مجلس پیشنهاد کنند و اینکه گفته شد عملی نیست ما آن حدی که عملی است فعلاً از آن استفاده میکنیم تا در عمل هر جایی که دیدیم عملی نیست تکمیلش کنیم. بنده بیش از این چون آقای آقا سید یعقوب اعتراض میکنند نمیخواهم وقت آقایان را در توضیح این پیشنهاد بگیرم و اسناد میکنم آقایان این پیشنهاد را بمنزله انشاء یک اصل در مرحله ابتدائی در نظر بگیرند تا در آئیه ان شاء الله تکمیل شود.

مخبر — البته ذکر محسنات یک موضوعی به عقیده بنده کار پراشکالی نیست میشود در وصف بهار مثلاً پنجاه هزار قصیده گفت میشود در توصیف یک اشیائی مبالغه کرد و بعضی اوقات هم حقیقت گفت (حالا مبالغات که البته بجای خودش است) حقیقت هم میشود گفت. مثلاً پول چیز خیلی خوبی است ولی حضرت والا دارند من ندارم. صدا خوب چیزی است. آواز بد نیست ولی یکی خوب نمیخواند هر قدر هم سعی میکنند باز نمیتواند بخواند محسناتی که حضرت والا ذکر کردند البته همان طوری که بنده عرض کردم محسناتی است که برای پاره اشیاء ممکن است فرض کرد ولی در موقع عمل بش نرسید. در جواب ایراد آقای ضیاء الملک که با دخالت دولت در کارهای اشخاص مخالفت کردند بنده اتفاقاً با عقیده ایشان مخالفم و عقیده ام این است که دولت باید مراقب زندگانی اشخاص باشد ولی در عمل باید به بینیم چطور است و چطور باید مراقبت کند، از یک نفر کسی که میخواهد پول قرض کند و یکنفر دیگر میخواهد قرض بدهد و میروند توی منزلشان با هم معامله مینمایند و مینمایند بیرون و کسی هم نمیداند، این را چطور میشود تأمین کرد؟ بنده میخواهم از حضرت والا این را بپرسم که در ضمن این محسناتی که فرمودند تکلیف این قسمت چیست؟ فرمودند ما میخواهیم فقط در عدلیه که مینمایند سرفعه کنند آنجا ریششانرا بگیریم، جلوشانرا بگیریم، این چطور میشود؟ مگر اینکه اشخاصی که پول میگیرند بخواهند بازی در آورند یعنی صد هیجده پول قرض کنند و وقتی که صاحب پول میخواهد پولش را بگیرد بگویند ما قانون را نخوانده بودیم که سند را رد و بدل کرده بودیم آنوقت نتیجه این میشود که دیگر معاملات رسمی و معتبر نمیشود و همه معاملات قاچاقی میشود و نتیجه مردم در زحمت میافتند. وقتی که بنده (بالاخره بشر که همه اش معصوم نیست) بنده میخواهم قرض بدهم اگر آزاد شدم البته فکر آخرش را میکنم که اگر رسید بعدلیه آنجا احقاق حق خودم را بکنم ولی اگر آزاد نشدم آنوقت که میخواهم پولهایم را بدهم بدست یک مؤمن فکر تا آخرین دقیقه عمرم و اولادم و ورثه ام را میکنم و تازه پول را توی جیبم میریزم و بکسی نمیدهم، چون اگر بخواهم علنی معامله نمایم جلوم را میگیرند که صد دوازده بیشتر بگیر و اگر بخواهم مخفی کنم که ممکن است پولهایم را بخورند. نتیجه این میشود که معامله نکنم آنوقت نتیجه معامله نکردن چه میشود؟ مملکت را از حیث معاملات تعطیل میکند. فرمودند دولت مکلف است جلوا این عمل

غلط را بگیرد، ما برای مؤسسات رسمی استقراضی در ماده پیش بینی کردیم که دولت مکلف است جلوعمل غلط را بگیرد. اما در تمام مملکت غلطهایی که ممکن است واقع شود دولت که علم غیب ندارد که بتواند جلوش را بگیرد و در نتیجه خیلی که خواستند در عمل دقت نمایند مثل قانون تحدید تریاک میشود که سه دوره است در مجلس می بینیم چه فریادهائی بلند است. مسئله معاملات رهنی هم حکم تحدید تریاک را پیدا میکند بنده توی خانه ام نشسته ام یک وقت یارو از پشت خانه بالا می آید و میگوید اینجا معامله برخلاف ماده الحاقیه قانون رهنی اتفاق افتاده است اگر کلمه اشخاص در این پیشنهاد آقایان نبود (چون بنده معتقدم که مؤسسات باید در تحت یک نظامات و قواعد و قوانینی باشد) بنده مخالفتی نداشتم ولی تا بحال بنده قانونی ندیده ام که برای شخص بخصوص و نفر بفر نوشته شده باشد. قانون کلی و برای تمام افراد مملکت است.

فیروز میرزا — برای استقراض است.

مخبر — و خیال نمیکنم هیچ کجا همچو سابقه باشد. فرمودند که یکی از اظهارات ما را منطقی تصور کرده اند و آن این بود که گفتیم جای یک قوانین قضائی، یک قوانین مالی که اینها باید پنجاه ماده بشود تا منظور آقایان بعمل بیاید جایش در یک قانون چند ماده که میخواهیم از مجلس بگذرانیم نیست و فرمودند ما هر جا یک فرصتی پیدا کنیم باید یک کاری بکنیم مثل اینکه مجلس شورای ملی دارد فرار میکند! حضرت والا هم دستش با و نمیرسد! شما یک نفر قانون دان هستید، میروید در گوشه یک اتاق مینشینید موادی تهیه مینمایند و همین آقایان هم که این پیشنهاد را امضاء کرده اند امضاء مینمایند و میبرند یک کمیسیون عدلیه و یک کمیسیون مربوطه و آنوقت قانون عمومی میشود و هیچ ارتباطی با کمیسیون بودجه ندارد. وزارت مالیه هم نمیتواند این ماده را اجرا کند. تکلیف وزارت مالیه هم نیست که مواد قانون قضائی را اجرا بکند، عرض کردم این یک ماده قانونی است که در مجمع قوانین باید ضبط شود، عملی نیست. باز آقایان میخواهند صبرانه این را در اینجا بکنند! سلبشان کشیده است اینجا باشد!! بنده تصور میکنم در نتیجه همین رویه قانون گذاری بوده است که قوانین ما غالباً بیک سوانع و یک مشکلاتی برخورد است، روی پیش آمد، روی وضعیات، روی فرصت و روی اینکه خوب حالا که موقع بدستمان آمده است این ماده قانون را بگذرانیم. و بالاخره اینطور قوانین اگر بگذرد باید میگردد یا عملی نیست.

رئیس — رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد

حائری زاده — قطعی است؟ پیشنهاد ثانی است.

رئیس — غیر قابل توجه نشده است فقط تقاضای ارجاع بکمیسیون شده بود سابقه این نبوده که در این قبیل پیشنهادها که مخبر تقاضای ارجاع کند اگر تائید پیشنهاد شود رأی قطعی گرفته شود فقط سابقه نسبت به پیشنهادهایی است که یکمرتبه قابل توجه میشود و کمیسیون برود و مورد توجه کمیسیون واقع نشود علی ای حال رأی بقابل توجه بودن این پیشنهاد گرفته میشود آقایان

موافقتین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد، ارجاع میشود بکمیسیون، پیشنهاد آقایان دینا و حق نویسی دیگر مورد ندارد.

طباطبائی دینا - صحیح است.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر لقمان هم خیال میکنم اصلاً مورد طرح نداشته باشد، تبصره است.

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم قبل از تصویب مجلس شورای ملی:

تبصره - دولت حق ندارد بعنوان مالیات یا عوارض وجهی از مؤسسات رهنی اخذ نماید.

رئیس - مطابق قانون اساسی هیچ عوارضی را دولت بدون تصویب مجلس شورای ملی نمیتواند بگیرد بنابراین بیک قانون عادی ما نمیتوانیم قانون اساسی را تأمین کنیم، پیشنهاد آقای مدرس دو ماده الحاقیه است. اولی خوانده میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه - مؤسسه رهنی امانت نقدی که مدت آن کمتر از یک سال نباشد بشرطی که مؤسسه مجاز در تصرف باشد قبول خواهد نمود و در این صورت دولت از حق الحفاظه که مؤسسه از بابت سراهنه ماده مذکور خواهد گرفت بصاحب امانت خواهد داد. تبصره - مؤسسه رهنی سند رسمی بصاحب امانت خواهد داد و دولت ضامن امانت مذکور خواهد بود.

رئیس - آقای مدرس.

مدرس - گمان میکنم چندان محتاج بتوضیح نباشد، این مؤسسه رهنی البته پولش انشاء الله الرحمن باین زودی سه چهار و پنج کرور میسرند بواسطه اینکه وجوه تقاعد متصل باین پول اضافه میشود معذالک بعقیده بنده هر چه زیادتر بشود بهتر است و مردم اگر پولی داشته باشند امانت بگذارند در این مؤسسه رهنی و اجازه بدهند در تصرف یعنی آن پول را معامله کنند در صورتی که امانت مدت داشته باشد که کمتر از یک سال نباشد، البته بی مدت معنی ندارد و نمیشود هم معامله کرد شاید فردا آمد خواست اما اگر مدت داشته باشد و کمتر از یک سال نباشد مؤسسه رهنی عقیده من این است قبول کند و با این پول هم مثل پول خودش رهن بگیرد و معامله نماید. هر چه عایدی شد از صدی نه دولت بصاحب پول بدهند که مدتش میشود و سند رسمی هم مؤسسه رهنی بصاحب این پول بدهد با ضمانت دولت که از هر جهتی محل اطمینان باشد و مردم پولشانرا ببرند در این مؤسسه رهنی بعنوان امانت بگذارند و بنده گمانم این است که این هم یک خدمتی است ب مردم، شاید من پولی داشته باشم بخواهم در یک جائی که از هر جهت مطمئن هستم بگذارم. اینجا هم دولت ضامن است بدهم که دولت از عایدات مال الحفاظه را که صدی شش است بمن بدهد این پیشنهاد بنده است.

مخبر - پیشنهاد اساساً بسیار خوب پیشنهادیست و بنده استدعا میکنم مراجعه بکمیسیون بشود قدری عبارتش اصلاح شود.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای مدرس.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده الحاقیه - مادام که لطمه بحقوق متقاعدین وارد نیاید مؤسسه رهنی دو خمس دیگر را از صندوق تقاعد استقراض خواهد نمود و در این صورت همیشه معادل خمس نقد باید در مؤسسه موجود باشد.

مدرس - ورقه که از کمیسیون راپرت داده بودند بنده دیدم در آن ورقه آن پیشنهادی که بنده عرض کردم و در مجلس قابل توجه شد قبول نفرموده بودند تحقیق کردم دیدم بعضی نظر داشته اند که باید قسمی پیشنهاد را نوشت که محکم تر باشد در حفظ حقوق متقاعدین، بنده هم کاملاً موافقم، همه آنها بواسطه حفظ حقوق متقاعدین است لهذا بنده یک جمله را بر آن اضافه کردم. عرض کردم (مادام که لطمه بحقوق متقاعدین وارد نیاید) بهمان ترتیب دو خمس دیگر استقراض خواهد شد و این شرط در حقیقت شرط محقق الوقوع است بواسطه اینکه همه ماهه پول باین صندوق تقاعد وارد خواهد شد. قطعاً بقدری که وارد خواهد شد بمتقاعدین داده نخواهد شد اگر داده میشود در عرض یکسال حالاً شصت هزار تومان نداشتند. یقیناً اگر سالی صد هزار یا صد و پنجاه هزار تومان وارد شود ماهی پنجاه هزار تومان بمتقاعدین داده میشود و باین زودی هم مایه صندوق خیلی مایه زیادی میشود و محکم میشود که یک وقتی شاید خمس آن یک کرور بشود یعنی در ظرف سه چهار سال خمس که نقد موجود دارد شاید معادل یک کرور باشد لهذا احتیاطاً برای اینکه نظر بعضی از اعضاء کمیسیون هم محفوظ مانده باشد و اهتمام هم داشته باشیم بحقوق متقاعدین این جمله را علاوه کردم که مادام که لطمه بحقوق متقاعدین نخورد که از هر جهت اطمینان کامل باشد. رأی بدهند که تمام پول متقاعدین در این مؤسسه رهنی باشد.

مخبر - اینرا قبول میکنم.

رئیس - رأی میگیریم باین ماده الحاقیه پیشنهادی آقای مدرس آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد دیگری از طرف آقای فهیمی و آقای عدل.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینماید.

ماده الحاقیه - مؤسسه رهنی حق خواهد داشت امانت نقدی (بشرطی که مؤسسه مجاز در تصرف باشد) برای مدت معین از مردم قبول نماید و سند رسمی بسپارد و در صورتی که مدت سند از یک سال یا بیشتر باشد دولت از حق الحفاظه که مؤسسه از بابت سراهنه مال مزبور خواهد گرفت بصاحبان امانت خواهد داد اگر کمتر از یکسال باشد عین وجه را رد خواهد کرد.

تبصره - بابت وجوهی که مؤسسه بعنوان فوق قبول مینماید دولت ضامن امانات مذکوره خواهد بود.

رئیس - آقای عدل. (اجازه)

بسیار خوب والا تنها جلب نظر وزارت داخله میسرود بوده است.

رئیس - آقای یاسائی - (اجازه)

یاسائی - اعتراضی که نماینده محترم کردند بنظر بنده وارد نیست چون کمیسیون مبتکرات فقط قابل توجه بودن یک طرحی را تصدیق میکند مجلس هم اگر تصدیق کرد مراجعه میشود بکمیسیون مخصوص که مربوط بان طرح خواهد بود و البته نماینده دولت در آن کمیسیون حاضر است و تصور میکنم اگر نماینده وزارت داخله آمده باشد در کمیسیون مبتکرات از نقطه نظر مسئولیت مشترکه مثل این است که نماینده وزارت امور خارجه آمده در هر صورت ما رأی میدهیم میسرود بکمیسیون داخله اگر کمیسیون داخله لازم دانست نماینده وزارت خارجه را هم دعوت میکند و با حضور نمایندگان وزارتخانه های مربوطه این طرح مطرح میشود.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب - (اجازه)

آقاسید یعقوب - متأسفانه بنده مخالف هستم و خیلی هم متأسف هستم که مخالفتم با طرح آقای شیروانی است که در غالب مسائل سیاسی باهم توافق نظر داریم لیکن در اینجا کاملاً مخالفم روی هم رفته چنانچه خود آقای شیروانی هم تصدیق خواهند کرد ملت ایران ملتی است دارای یک نژاد و یک مذهب و از هر جهت این ملت وحدت دارد و بواسطه وحدت این ملت از هر جهت در مقابل این سیل های بنیان کن تا بحال مقاومت کرده و ایستادگی کرده و خود را از هر جهت حفظ کرده حالا این قانون مهاجرت نوشته میشود پس از آنکه رفت بکمیسیون مربوطه و مورد تنظیم شد مثل سیل از طرف ایتالیا از طرف فلانجا و فلانجا رومی کنند بمملکت ما که خدا نکند همچو روزی بیاید. مثل ماخ مصری - آنوقت یک همچو مملکتی که ما حالا در این همه فشار و بدبختی مملکت برویم و حالا امیدواریم بواسطه تغییراتی که در مملکت شده است و ملت کم کم متوجه بمنافع خودشان شده اند این ملتی که سالهای سال در فشار اینهمه صدسات فوق العاده بوده حالا دارد روی حکومت ملی پیش میسرود و ملت بیدار میشود مؤسسات مملکتی خود را کم کم تشکیل میدهد تمام زحمات را ما خودمان متحمل شده ایم و این اولین قدمی است که شاید این درخت استقلال برای اولاد ایرانی برومند شود آنوقت اگر خدای نخواست این قانون محل قبول واقع شد تمام فوایدش برای آنها و زحماتش برای ما است. حالا برای چه؟

برای اینکه ما ایرانی هستیم و خودمان میدانیم که ایرانیها همانطور که در یک تاریخی نوشته است ایرانی بایگانه یگانه و با خودی یگانه است. بقدری نسبت بدیگران مطیع و منقاد و بقدری نسبت بهدیگر در سوز و گدازند که حد ندارد. ملاحظه فرمائید استخدام ایرانیان را در ادارات خارجه - به بیند چه طور مطیع حرف هستند (مثل قواء به نفس ناطقه) - که چه طور قواء نسبت بنفس مطیع هستند همینطور هم ایرانیان نسبت بادارات خارجه لیکن در ادارات خودشان اینطور نیستند آنوقت اگر یک چنین سیلی آمد و متوجه مملکت شد تمام منافی که اینها از مملکت ما میبرند هیچک از افراد ایرانی ها نمیبرند. بنده عقیده ام این است همینطوریکه مجلس متوجه است دولت متوجه است - پادشاه متوجه

میرزا یوسفخان عدل - این تقریباً همان پیشنهادی است که آقای مدرس کردند منتها در عبارتش قدری تفاوت است که وقتی به کمیسیون میسرود البته هر کدام را اصلاح دانستند قبول میکنند و توضیح هم همان بود که آقا دادند. هر کس پول نقد داشته باشد میسرود میگذارد در بانکهای خارجه آنهاست یا صدو یا صدسه میدهند ولی اگر چنانچه اینجا کسی پول امانت بدهد صدی شش بابت حق الحفاظه باو نفع بدهند البته نفع عمومی است.

آقاسید یعقوب - این کلمه صریحاً برخلاف قانون اساسی است چرا میسوسید؟

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - مربوط بنظر مجلس است.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن این پیشنهاد. آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(کسی برخاست)

عدل - این عین همان پیشنهاد است.

رئیس - دیگر تشخیص با شما نیست عین او است یا غیر او. این پیشنهاد بخصوص قابل توجه نشد چند دقیقه تنفس داده میشود. (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - بقیه مذاکرات راجع به قانون مؤسسه رهنی سوکول میشود بجلسه آتی. تا موقعی که راپرت کمیسیون بودجه برسد. اگر آقایان موافق هستند کسری کمیسیونهای معمولی هم انتخاب شود آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی - تصور میکنم چون تبادل نظری نشده و دوباره محتاج بتجدید خواهیم شد اگر اجازه میفرمائید باشد برای جلسه آتی که در جلسه آتی تمام شود.

رئیس - بماند برای جلسه آتی؟

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - خبر کمیسیون مبتکرات راجع بطرح قانونی مهاجرت مطرح است.

(بشرح آتی قرائت شد)

طرح قانونی آقای شیروانی راجع بمهاجرت و دعوت سایرین چه از اتباع ایران که در خارجه سوطن اختیار کرده و چه از منسل سایر با حضور نماینده وزارت داخله در جلسه ۲۷ مهرماه ۱۳۰۵ مطرح واقع شده نماینده وزارت داخله موافقت کامل خود را راجع باین موضوع اظهار و باتفاق آراء اعضاء کمیسیون طرح مذکور را قابل توجه دانسته معتقدند که به کمیسیون داخله ارجاع شود.

رئیس - آقای روحی. (اجازه)

روحی - عرض کنم بنده یک نقص در اینجاسی بینم و آن این است که این طرح راجع بمهاجرت است و از این جهت وزارت خارجه میبایستی بیشتر در آن اسعان نظر کند تا وزارت داخله و علت اینکه اعضاء کمیسیون مبتکرات اطلاع نداده اند بوزارت خارجه و جلب نظر نماینده آنوزارتخانه را نکرده اند معلوم نیست چه چیز است حالا البته اگر پس از قابل توجه شدنش جلب نظر وزارت خارجه بشود

است. و یک قدمهایی هم برای تأسیسات عام المنفعه برداشته میشود مثل قدمیکه برای صحیه برداشته شد که حقیقه قدم بزرگی است و امیدواریم بعد از یازده سال اولاد اسلام و اولاد ایران زیاد بشود و ما هم کم کم بیدار شویم و استفاده کنیم. وحشت من از اینست که بعد از زحمات زیاد که در این سالهای ستوالی کشیده ایم حالا شاید سزق آن رسیده است که ما از زحمات سابقه خردمان استفاده کنیم آنوقت استفاده مان از دست برود و حالت ما بعینه مثل حالت مصریها بشود غیر از آنهایکه در محل اروپا واقع شده اند ما بقی دیگرشان تمام واکس زن هستند یا شغل های خیلی پست دارند و منافع آنها را دیگران میبرند. بنده عقیده ام این است که اگر یک ستوانی بگذرد و ایرانیها کاملاً مطلع باشند از منافع خودشان و بدانند دیگری که آمد نباید بر آنها تسلطی داشته باشد و بدانند که زحمات آنها از برای دیگری نیست هنوز این حس کمان نمی کشم در تمام افراد مملکت پیدا شده باشد بعد از یازده سال و بیست سال که مقاماتی را ماطی کردیم و یا بدایره بیداری و ترقی گذاشتیم که همه را مثل خودمان بدانیم آنوقت بنده موافقم ولی حالاً می بیند در روزنامهجاتم میخوانیم که فلان مملکت همچو اعلان کرده است که صد هزار نفر حرکت کنند برای مهاجرت آنوقت ملتی که با یک بدبختیایی در مقابل این سیل های زیاد مقاومت کرده است باید توسری خوریکه دیگر بشود باین نقطه نظر بنده مخالفم.

رئیس — آقای شیروانی — (اجازه)

شیروانی — قبلاً نکته را که آقای روحی تذکر دادند بنده میخواستم خاطرشان را متوجه کنم و تصور میکنم خودشان هم موافقت فرمایند. ما در این قانون یک طوری پیش بینی کردیم که اگر یک نفر از اتباع خارجه وقتی که در تحت عنوان مهاجرت وارد سرحد مملکت ما شد بکلی همه چیزش تابع ایران است و هیچ حق استفاده از قوانین مملکت خودش به او نداده ایم و این قانون بکلی واقعی است که ما داریم مینویسیم منتهی خواستیم آدم از جای دیگر بیآوریم و تا در مملکت ما سکنی دارند کاملاً تابع مقررات و قوانین ما هستند و از قوانین مملکت خودشان بهیچ وجه نمیتوانند استفاده کنند باین جهت بنده کمیسیون خارجه را در اینجا بهیچ وجه لازم ندانستم. لهذا کمیسیون داخله میتواند تمام وزراء را بیاورد آنجا و مشورت نماید حتی بنده در مقدمه طرح خودم تقاضا کردم مستشاران آسریکائی را هم که از این مسئله مخصوصاً اطلاع دارند از آنها هم استمداد فکری بکنند و این یک طرحی است که بنده ریخته ام و یک قانونی است و باید کمیسیون داخله با نظر دولت و تمام آقایان نمایندگان آنرا اصلاح کنند که یک چیز منیدی بشود. و اما آن نکاتی که نماینده محترم (آقای آقا سید یعقوب) فرمودند، قبلاً یک نکته را میخواستم حضورشان تذکر بدهم تصدیق میفرمائید که مملکت ما شروع کرده است به اینکه یک اصلاحاتی بکند. از جمله اصلاحات اقتصادی — اصلاحات اداری — اصلاحات مالی — و قدمهای اولیه را ما داریم بر میداریم بند دو سه سال است فکر کرده ام و بعضی کتابها را خوانده ام و دیده ام مثلاً اگر در مملکتمان مثل نیجره راه آهن احداث کنیم و تمام منابع ثروتمان را بوسیله

برای همین است این یک فکری است که در بدو امر بنظر بنده خوب آمده است و در کمیسیون مبتکرات هم رفته ام و توضیحات هم داده ام آقای منصور معاون وزارت داخله و رئیس احصائیه وزارت داخله هم در آنجا حاضر شده اند و خیلی در اطراف این قضیه و مسائلی که آقا فرمودند مذاکره شده و حتی نماینده دولت اظهار کرد که ما خردمان مشغول بودیم که یک لایحه در این خصوص تهیه کنیم ولی حالا که یک چنین طرحی پیشنهاد شده ما هم موافق هستیم و اگر هم نواقصی به نظرمان رسید میآوریم به کمیسیون و اصلاح میشود حالا هم می رود به کمیسیون داخله و در آنجا دو سه مرتبه شور میشود و به مجلس راپورت میدهند. و در مجلس هم تمام موادش در تحت شور میاید و پیشنهادات میشود و بالاخره به یک صورت خوبی درست میشود و بالاخره بنده این مسأله را یکی از مسائل خوبی میدانم و امیدوارم که آقایان هم به فابل توجه بودن طرح بنده لطفاً رأی بدهند.

وزیرمالیه — این مسأله البته قابل خیلی تقدیس است گرچه بنده نبودم ولی استنباط کردم که این مذاکرات راجع به مهاجرت است واقعاً مسأله مهاجرت در ایران خیلی اسباب زحمت و نگرانی شده است این است که از طرف وزارت خارجه هم به مجلس شورای ملی عرض شده است و دولت هم در کار یک مطالعاتی است که امیدواریم به اتفاق مجلس شورای ملی و کمیسیون این کار به یک نتیجه مطلوبی برسد و اگر آقایان صلاح میدانند به اتفاق نظر یکدیگر در این باب اقدام شود و انشاء الله نتیجه مطلوبه گرفته شود.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

مدرس — بنده مخالفم.

رئیس — بفرمائید.

مدرس — اگر چه نظرها البته مختلف است و میتوانم بگویم و در این مکان محترم عرض کنم که هر کدام موافق و مخالف در مرحله خودشان نظرشان محترم است لیکن باید موقع را در نظر آورد. اولاً نمیدانم آقای اصفهانی یا شیروانی (خنده نمایندگان) سفر کرده اند یا نکرده اند؟ اگر مسافرت کرده باشند در داخله ایران و در خارج ایران میدانند بنده که یک قسمتی در خارج ایران مفر کرده ام تا اسلامبول که رفتم هیچ جا وارد نشدم که ایرانی زیاد نباشد البته آنهایی که از سمت های دیگر هم سفر کرده اند همین قسم میفرمایند که در سمت های دیگر هم که سفر کردیم هر جا رفتیم ایرانی زیاد بوده است. در داخله ایران هم بنده قریب بدو ثلثش را سفر کرده ام. هر جا رفتم غیر ایرانی ندیدم. خیلی کم، خیلی نادر، ولی در یک شهری مثل اسلامبول میگفتند هشتاد هزار نفر ایرانی است. در قونیه بود در خدمت آقای آقا سید یعقوب بودیم رفتیم درب یک دکانی چیز بخیریم دیدیم ایرانی است و هكذا هر قصبه و هر شهر، و در داخله ایران هم هر کدام شهرهای خودمان را می دانید گمان می کنم غیر ایرانی خیلی نادر باشد. برای اینکه از خرابه مردم میروند و به آبادی از آبادی به خرابه نمایند اغلب کسانی که از سلیمانیه رفتیم تا اسلامبول دیدیم از اهالی شهرها، قصبه ها حتی از ایلات واکراد بودند. همه ایرانی از هر کدام میپرسیدیم چرا آمدید؟

یکی از دست ماسورین، یکی از دست ارباب، یکی از دست همسایه، یکی از غارت و غیره رفته بود. بنده برای اینکه بخواهند وارد ایران بشوند اگر بخواهند یک ترتیبی داده شود حرفی ندارم ولی باید نقطه نظرمان را طوری قرار بدهیم که ایرانیها نروند و آنهایی که رفته اند برگردند بنده اطلاع کامل دارم. دولت اعتبار به من بدهد هر ایرانی سه تومان شخص بنده که یتیم داشته باشم سه تومان را نمیخورم اگر در مدت یکسال صد هزار نفر ایرانی بیرون رفته را وارد این خاک نکرده بجهت اینکه شاید خرجی نداشته باشند. شاید پنج قران شش قران پول تذکره را نداشته باشند بدهند. پس بنده عقیده ام این است اگر این لایحه را میخواستید برود به کمیسیون بنده اینقدرها جدیت ندارم لکن این در درجه هزارم است ما باید به بینیم چه کنیم که ایرانی نرود یا چه کنیم آنهایی که تشریف برده اند که از نژاد خود مانند یا بقول آقای آقا سید یعقوب پاره تن خود مانند، یک نژاد و یک ملت و دارای یک عصبیت هستند یعنی آنها که رفته اند و از ما جدا شده اند برگردند. اولاً کسی نمیاید. حالا که آزادند چقدر آمده اند که شما میخواستید یک شرایطی هم برای آنها قرار بدهید؟ بفرمائید از خراسان دو فرسخ آنطرف عشق آباد پر از ایرانیست ولی دو فرسخ از سرخس بیائید توی ایران به بینند یک نفر از آنها آمده اند به ایران؟ و حال آنکه جائی که باید آمده باشند آن ولایت است و هكذا اغلب سرحدات تحقیق کنید (بنده خودم دیدم) و تحقیق هم کرده ام) غیر از ایرانی کسی در خرابه نمی ماند ما نان نمیکنیم بجهت اینهایی که هستند. از جای دیگر می آیند چه کنند؟ پس بنده تقاضا میکنم از مجلس شورای ملی که این مسأله را محل توجه قرار بدهند. حالا این لایحه را بخواهند برود به کمیسیون بنده مخالفتی ندارم. البته هر مطلبی را غرور می بکنند و در اطرافش مطالعه بکنند عیبی ندارد و اینکه فرمودند از زمان شاه عباس کبیر رفته اند اولاً هیچکس خانه خودش را نمیخواهد رها کند. مگر فشار مگر فشار. مگر فشار. همین از زمان مشروطه تا به حال شاید اگر حساب کنید در این بیست سال اخیر یک کرور از ایران رفته اند متصل هم میروند. چرا برای اینکه رعیت که سرپرست ندارد مثل گوسفندیست که شبان ندارد گوسفندی که چوپان ندارد در چاه می افتد گرگ میخورد. رعیت هم اینچنین است در این مسأله بنده میخواستیم تذکر بدهم به آقایان که ما باید سعی کنیم و سعی ما همان است که عمر عبدالعزیز به حارث گفت (حصنها بالعدل) گفت حصار قلعه خراب شده است در بودجه من چیزی برایش منظور نشده است. گفت (حصنها بالعدل) یعنی حصار عدالت بکش تا محفوظ بمانی خرج هم نخواهد. شما هم ترتیب عدالت را برای مردم درست کنید کسی هجرت نمی کند اگر کسی از ما هجرت نکرد عددمان زیاد است الان هم اگر عدالت نباشد عددمان زیاد است هر چه هم از بیرون بیاورید اینجا ازبی نانی میپزند. پس غرض حاصل نمیشود و باید یک فکری کنید اینهایی را که دارید نگاهداری کنید و آنها هم که رفته اند برگردند.

(آقای نوبخت برای مدافعه از صندلی خود به محل نطق حرکت کردند)



بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - ایشان مخبر کمیسیون هستند.

نوبخت مخبر کمیسیون - روی هم رفته بیانات آقای مدرس معلوم میکرد که ایشان کاملاً با این عقیده همراه هستند فقط خواستند یک سوجباتی را ذکر کنند که ایرانی در این اوان اخیر مهاجرت کرده است و فرمودند هر جا رفته ایرانیها را دیدم مهاجرت کرده‌اند. در ممالک خارجه ایرانی زیاد است و البته همان طور که فرمودند یکی از علل آن شاید یک قدری هم فشار باشد ولی علل دیگری هم دارد. عدم وسائل صحی را نمی‌شود انکار کرد که یکی از علل عمده نبوده است. البته عدم آشنائی بوسائل تغذیه به وسائل تهیه مواد غذایی آنهم خودش یک علت است. پس ایرانی در اثر فشار نمیرود یک عللی پیدا کرده است که فشار هم در جزو آنست. البته وقتی که در مملکت عدالت باشد ایرانی هیچوقت دلش نمیخواهد برود. و اما اینکه فرمودند آدم از خرابه رو به مملکت آباد می‌رود. بنده تعجب میکنم از این فرمایش. برای اینکه معتقدم که ایران آباد است چرا؟ ممکن است در نظر اول این عرض بنده یک چیز خیلی عجیب و غریبی بیاید ولیکن بنده عرض میکنم که ایران دارای یک خواص و عللی است که آنها شاید سوجبات آبادی کامل او را فراهم بیاورد اولاً ما میخواهیم به بینیم که چطور میشود یک مملکتی قابل مهاجرت شدن باشد معلوم است در یک مملکتی اگر چند چیز جمع شد آن مملکت را آباد میگویند. یکی خاصیت اقلیمی است یعنی در یک منطقه واقع نشده باشد که غیر قابل سکون باشد. یعنی در جزء منطقه معتدله باشد. ایران در میان ممالکی که در مناطق معتدله واقع شده‌اند یک امتیاز و برتری دارد. هیچوقت یادم نمیرود و فراموش نمیکنم فرمایش آقای ارباب را که فرمودند در لندن یک کسی بمن گفت که ایرانیهای قدیم آفتاب میپرستیدند؟ من گفتم این آفتاب؟ گفتند بلی گفتم خیر این آفتاب را نمیپرستیدند آفتاب ایران را میپرستیدند. هر کسی به کرمان رفته باشد و پیش از صبح به آسمان نگاه کند شفافیت آسمان خیالات او را شاعرانه میکند. بنابراین خاصیت اقلیمی کاملاً در ایران موجود است و بهتر از این نمی‌شود که در یک قسمتش رود کارون است و در وسطش رود زاینده رود است. و در شمالش رود سفید رود و در قسمت خاصیت غذائیش بنده تصور میکنم زمین ایران کاملاً قابل کشت و زرع است به این معنی که تهیه مواد غذایی در ایران خیلی بیشتر میشود تا سایر جاها اینهم گمان نمیکنم محل انکار باشد. آمدیم بر سر خاصیت دیگری که عبارت از این باشد که خاصیت ارضی داشته باشد ایران دارای یک معادن زیاد و یک خواص زیاد است که آنها بالطبع ایران را ثروتمند کرده است و تصور میکنم که اگر چنانچه این وسائل بکار بیفتد کاملاً سوجبات پیشرفت ایرانی را فراهم میکند یکی دیگر اینکه ایرانی دارای سرونه اخلاقی است یعنی کاملاً سهل المعاشرتست و این از محاسن ایرانی است. آقای آقاسید یعقوب فرمودند ایرانی با بیگانه خودی و با خودی بیگانه است بنده معتقدم که اینطور نیست و تصور میکنم سرونه اخلاقی را با خودی بیگانه و با بیگانه خودی بودن

اشتباه کرده‌اند و اگر به تاریخ مراجعه فرمائید ملاحظه خواهید نمود که این ملت از اول دچار یک صدماتی شده است که اگر این صدمات به هر ملتی وارد شده بود شاید از بین رفته بود. در همان وقتی که عرب هجوم آورد به ایران همان وقت هم هجوم آورد بمصر و بعد به سراسر کش و بعد بسوریا. سوریا و مصر و سراسر کش کاملاً عرب شدند ولی ایرانی عرب نشد دیانت حق اسلامیت را تشخیص داد و بخود گزشت ولی عرب نشد برای چه؟ برای اینکه با بیگانه خودی و با خودی بیگانه نبود بنابراین از این حیث هم نمیشود گفت که یک مملکت خرابیست حالا وارد می‌شویم در اصل موضوع که میخواهیم به بینیم مهاجرت برای ما چه میکند؟ بنده خیال میکنم و شاید تصدیق فرمائید که ایرانی امروزه در عصر حاضر تصورات و خیالات و افکارش کاملاً مطابق تصورات و خیال یک ملت متقدم دنیا نیست و ناچاریم اینرا با نهایت تأسف اعتراف کنیم و برای اینکه تصورات و افکارش مطابق تصورات و افکار اروپائی نیست ناچار است یک عده را از ممالک ساریه دعوت کند و بگوید آقایان بیائید اینجا ما وسائل تسهیل شما را فراهم میکنیم و نگاه میکنیم بشما به بینیم چطور شما زندگانی میکنید. فلان آلمانی که سیاید اینجا پهلوی دهقان ایرانی عمارت بنا میکند آن دهقان ایرانی نگاه به طرز عمارتش بطرز زندگانش بطرز کارش میکند و قهراً یاد میگیرد وقتی که یاد گرفت گذشته از اینکه یک منافع دیگری دارد. از حیث اختلاط و امتزاج هم یک مدرسه عملی است که ایرانیها را یاد میدهد که چطور باید زندگانی کنند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی گرفته میشود به این خبر کمیسیون مبتکرات یعنی به قابل توجه بودن این طرح با ارجاع به کمیسیون داخله آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. طرحی به امضاء آقای دکتر سنگ و داور و عده زیادی از آقایان محترم راجع به مؤسسات صحی تقدیم مجلس شده است به کمیسیون مبتکرات ارجاع میشود. آقای ارباب. (اجازه)

ارباب کیخسرو - اینجا آقای نوبخت از زبان بنده یک اظهاری کردند. بنده هیچوقت یاد ندارم که چنین عرضی را کرده باشم. یک چنین چیزی را بنده شنیده‌ام که دیگران گفته‌اند ولی بنده نه این را گفته‌ام و نه هیچوقت عقیده داشته‌ام که ایرانی آفتاب پرست بوده است.

(خنده حضار)

رئیس - خبر دیگر کمیسیون مبتکرات راجع به طرح آقای حائری زاده. راجع به خرید مستمریات چون خیلی مفصل بوده است از طبع خارج نشده است بنابراین بماند برای جلسه دیگر. آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - راجع به این طرح صحی مملکتی که بنده هم امضاء کرده‌ام درست نظرم نیست که در مقدمه اش تقاضای فوریت شده یا نشده اگر تقاضای فوریت نشده بنده یک فوریتش را

تقاضا میکنم.

رئیس - قرائت میشود. در مقدمه اش تقاضای فوریت شده و بنده ملتفت نبودم.

(به شرح زیر قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس مقدس شورای ملی. نظر بلزوم توجه مخصوص بامور صحیہ نظر به اینکه مؤسسات صحی فعلی هر کدام مربوط به یک اداره و وزارتخانه است و این مسأله خود بیشتر باعث بطوء جریان امور صحی شده نظر به اینکه بدون داشتن اختیارات لازم و استقلال ممکن نیست اداره صحیہ بتواند بوظایف مهم خود چنانکه باید و شاید عمل نماید امضاء کنندگان سواد ذیل را بقید یک فوریت پیشنهاد و تصویب آن را تقاضا میکنیم.

ماده اول - کلیه مؤسسات صحی مملکتی - و بلدی - صحیہ نظمیہ ها - مدرسه طب - مدرسه قابلیتگی - دوسازی - دندان سازی و مؤسسه پاستور در اداره کل صحیہ متمرکز خواهد شد.

ماده دوم - رئیس کل صحیہ در تحت هدایت قانونی وزیر داخله با مراعات اصول مسؤولیت وزراء کلیه امور صحیہ را عهده خواهد داشت. مشارالیه در تحت نظارت قانونی و تصویب وزیر داخله اختیار تام خواهد داشت که بودجه تفصیلی صحیہ راتهیہ کرده تشکیلات اداره کل صحیہ و تمام شعب آنرا بدهد. وزارت داخله مکلف است مطابق پیشنهادهای رئیس کل صحیہ دائر و به تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین صحیہ رفتار نماید.

تصره - نظامنامه تشکیلات و وظایف اداره کل صحیہ پس از تصویب کمیسیون داخله مجلس شورای ملی به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.

ماده سیم - رئیس اداره کل صحیہ سمت معاونت فنی وزارت داخله را داشته به این سمت در مجلس و هیئت وزراء حق حضور و شرکت در مذاکرات خواهد داشت.

داور - دکتر سنگ - عبدالله یاسائی - اعتبار - حیدری مگری - صادق - خواجه نوری - ملک مدنی - عبدالباقی جمشیدی - عبدالله وثوق - احتشام زاده - کی استوان - ا. شیروانی - شریعت زاده - ع. روحی - حائری زاده - یوسف عدل - محقق محمد ابراهیم اهری - محمدتقی طباطبائی - ابراهیم آشتیانی - دکتر طاهری - علی خطیبی - محمدعلی بامداد - اماسی خوئی - مخبر فرمند - آقاعلی زارع - ذوالقدر - میرزا آقاخان عصر انقلاب - لیتوانی - میرسمتاز - محمدولی - م. ع. حق نویس - سید کاظم - حیدرقلی حشمتی - ملک ایرج میرزا پور تیمور - دکتر لقمان - حسین وزیری - محمدعلی نظام مانی - با اساس موافق قاطمی - سهراب ساگینیان - مقدم - میرزا آفارش.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب - موافقم.

رئیس - آقای شریعت زاده.

شریعت زاده - موافقم.

رئیس - آقای داور.

داور - موافقم.

رئیس - آقای دکتر سنگ.

دکتر سنگ - موافقم.

رئیس - فوریتش مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر) رأی گرفته می‌شود به فوریت این طرح با قید ارجاع به کمیسیون آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. به کمیسیون داخله طبعاً باید ارجاع شود. بقیه دستوراً آقایان موافقت بماند برای جلسه دیگر. بنابراین دو خبر از شعبه چهار راجع به انتخابات قزوین و نمایندگی آقایان ملک آرائی و ثابت از قزوین و توابع رسیده است. (آقای بهار احضار برای قرائت راپرت)

(آقای بهار خبر شعبه چهارم را بشرح ذیل قرائت نمودند)

انتخابات قزوین و توابع در حدود قانون به تاریخ یازدهم خرداد ماه ۱۳۰۵/۱۳۰۵ اعلان شده و به تاریخ ۲۶ خرداد شروع به توزیع تعرفه در مرکز و نقاط جزء گردیده و از کلیه آراء مأخوذه که ۳۹۲۱۷ رأی بوده است آقای ملک آرائی به اکثریت ۱۱۴۵۱ رأی به وکالت قزوین و توابع انتخاب و اعتبارنامه مشارالیه صادر گردیده است. شعبه چهار بدوسیبه انتخابات مزبور رسیدگی بعمل آورده شکایات واصله نه در انجمن نظار و نه در شعبه مورد توجه قرار نگرفته به اکثریت تامه و کالت آقای ملک آرائی تصویب و راپرت آن تقدیم میشود.

رئیس - رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای ملک آرائی از قزوین و توابع آقایان موافقین قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر دیگر راجع به انتخاب آقای الموتی از قزوین و توابع آقای بهار (احضار)

(آقای بهار راپرت دیگر شعبه چهارم را بشرح ذیل قرائت نمودند)

انتخابات قزوین و توابع در حدود قانون به تاریخ ۱۱ خرداد ماه ۱۳۰۵/۱۳۰۵ اعلان و به تاریخ ۲۶ خرداد شروع به توزیع تعرفه در مرکز و نقاط جزء گردیده از کلیه آراء مأخوذه که ۳۹۲۱۷ رأی بوده است آقای آقاسید محمدعلی الموتی به ۱۲۴۲۲ رأی به وکالت قزوین و توابع انتخاب گردیده‌اند. شعبه ۴ بدوسیبه انتخابات قزوین رسیدگی بعمل آورده شکایات واصله نه در انجمن نظار و نه در شعبه مورد توجه قرار نگرفته به اکثریت تامه و کالت آقای آقاسید محمدعلی الموتی تصویب و راپرت آن تقدیم میشود.

رئیس - رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای ثابت (آقاسید محمدعلی الموتی) آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. آقای وکیلی فرمادشی داشتید؟

شیروانی - بنده ختم جلسه را پیشنهاد میکنم.

رئیس - ایشان قبلاً اجازه خواسته‌اند. آقای وکیلی. (اجازه)

طباطبائی وکیلی - بنده نظرم این بود که قبل از دستور

راجع به سنری که به آذربایجان کرده بودم قدری از اقتصادیات و وضع آنجا به عرض برسانم مجال نشد. فعلاً مختصر عرضی که داشتم این است که آروز آقای معاون وزارت داخله راجع به انتخابات سرآب و گرمسود بعضی صحبتها کردند که از روی مقررات قانون کار میکنند ولی مطابق اخباری که به بنده و سایر آقایان رسیده است هنوز آن حاکم از آنجا برنگشته و با کمال نفوذ مشغول کار است... آفاسید یعقوب - گفتند رفته است.

طباطبائی و کیلی - بله؟

رئیس - (خطاب بوکیلی) - ادامه به نطق خودتان بدهید

به اطراف متوجه نباشید.

(آقای طباطبائی و کیلی بجای خود جلوس نمودند)

رئیس - تمام شد؟ جلسه آینده روز یکشنبه سه ساعت ونیم قبل از ظهر و دستور آن اولاً خبر کمیسیون بودجه در خصوص سواد راجع به مؤسسه رهنی که امروز به کمیسیون ارجاع شد. ثانیاً خبر کمیسیون بودجه راجع به خرید مستمریات ثالثاً دو فقره شهریه که سابقاً جزو دستور بوده.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی: سید ابراهیم ضیاء منشی: امیر تیمور کلالی